

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

تظا هرات و راهپیمائی صدها هزار نفر بمناسبت گرامی داشت خاطره

شهدای ۱۵ خرداد

روز مردمی که دل اورانه در برابر جوار و بیداد - گری رژیم خونخوار و سرمایه داران وابسته بر خاسته بودند به فرمان شاه و بدست فرماندهان و افسران ارتش قتل عام شدند. در این روز هزاران تن از زنان و مردان زحمتکش ایران در خون پاک خود

امیرالیزم آمریکا پراست از روزهای حماسه دلآوری و از جان گذشتگی خلقی ستم دیده و همراه با آن پراست از وحشیگری ها، شکنجه ها و قتل عام ها و جنایات تکان دهنده امیرالیزم و نوکران داخلش پانزدهم خرداد هزار و سیصد و چهل و دو نمونه بارزی از این روزهاست. در این

بزرگداشت شهدای پانزدهم خرداد روز سه شنبه در تهران و شهرستانها طوسی اجتماعات و راهپیمائی های صدها هزار نفری ضد امیرالیزم و با شعارهایی علیه آمریکا و اسرائیل برگزار شد. در تهران راهپیمایان و تظاهر کنندگان که از طرف حزب جمهوری اسلامی و نیروهای ملی و مترقی دعوت شده بودند از هشت نقطه به طرف میدان سپهر رفتند. در میدان سپه بعد از پام انقلاب فلسطین و نهضت اسلامی فلی پین، قطعا مه ای خوانده شد.

در قطعا مه پانزدهم خرداد گفته شده است که چپا و لگرا جهانی بخصوصی آمریکا بداندند که توطئه های پیشروانه آنها و تبلیغات مفرضانه شان علیه نهاد های انقلابی ما را بیش از پیش در حر است از دست آورد های انقلاب اسلامی خویش استوار تر و کوشا تر خواهد ساخت.

نگ بر امیرالیزم آمریکا و جلادانش

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران برای گرامی داشت خاطره شهدای پانزدهم خرداد بهانه ای منتشر کرد که در زیر می خوانید:

در تاریخ مبارزات میهن ما، روزهایی که قهرمانها و جانبازان برای مردم از یک سو و چهره زشت و بیدادگر امیرالیزم و عمالش آسوی دیگر به تمامی جلوه گر شده اند بسیار است. تاریخ مبارزات مردم ستم دیده ما خصوصا در دوره سلطه

حمایت از حقوق خلقها  
ضامن یکپارچگی ایران است

تقریباً از هنگامی که حق خود مختاری خلقها در سطح جامعه مطرح شده است، برخی از مقامات و مسئولان دولتی کوشیده اند بامارک "تجزیه طلبی" و "توطئه" و امثال آن این حقوق ابتدائی و مسلم خلقهای ایران را لوٹ کنند و این به گمان ما دقیقاً همان شیوه های گذشته است که دیدیم چه کسانی از آن حمایت می کردند و به رسمیت شناختن حقوق خلقها را به زبان منافع خود می دیدند و امروز هم می دانیم که روش های آنها هرگز نتوانست خلقها را از مبارزه در راه حقوق مسلمشان بازدارد.

بدون تردید اگر حقوق مسلم خلقها به رسمیت شناخته نشود و اگر دولت همین رویه ای را که در پیش گرفته است، ادامه دهد، علاوه بر وحدت خلقها و یکپارچگی ایران آسیب جدی وارد خواهد ساخت و زمینه را برای فعالیت نیروهای ارتجاعی و امیرالیزم که در کمین نشسته است تا از آب گل آلود اختلافات قومی و ملی بهره برداری کند، فراهم خواهد ساخت.

حوادث سوم خوزستان که تاکنون صدها تن کشته و زخمی به جای گذاشته و آتش کینه و نفرت را در میان مردم برانگیخته است بار دیگر نشان می دهد که مساله خلقها یکی از جدی ترین مسائلی است که باید با مسئولیت تمام بدان برخورد کرد و هر چه زودتر حقوق مسلم خلقها را به رسمیت شناخت.

امروز ما به وضوح می بینیم که نمایندگان خلق عرب مرتباً تجزیه طلبی را محکوم می کنند و آن را توطئه امیرالیزم می خوانند و خواستار حقوق حقه خود در چهارچوب ایرانی یکپارچه، مستقل و آزاد هستند، اما نمایندگان رسمی دولت در هر فرصتی به خواسته های خلق عرب مارک های رنگارنگ می چسبانند و بدینسان می کوشند خواسته های برحق خلق عرب را لوٹ کنند و این از دیدگاه ما رویه ای است که می تواند عواقبی وخیم برای ایران در پی داشته باشد. ما معتقدیم که برای حل واقعی مساله خلقها باید حق خود مختاری آنسان را در چهارچوب ایرانی یکپارچه و متحد مورد تأیید و پشتیبانی قرارداد، در غیر این صورت جامعه خوزستان پایان فجایع نخواهد بود و تخم کینه و نفاق می تواند ایران را در کام جنگ شوم داخلی فروبرد.

اتحاد کارگران ضامن پیروزی آنهاست

دشمنان سوگند خورده کارگران میهن ما کارگران ادامه دهند. به محض اینکه یعنی سرمایه داران وابسته، کارگران رژیم کارگران خواسته های برحق خود را مطرح پیشین و همه مرتجعین اقدامات وسیعی را کنند می گویند که آنها "کمونیست" برای تفرقه انداختن در میان کارگران هستند.

آغاز کرده اند. اکنون این سؤال برای کارگران توطئه های نفاق افکنانه کارفرما - پیش آمده که چرا وقتی پای خواسته های یان و حامیان آنها در میان کارگران یکی دیگر از شیوه هایی است که آنها در پیش گرفته اند تا مانع از آن شوند که کارگران یکپارچه و متحد برای احقاق حقوق خود اقدام کنند. امروزه کارفرمایان و حامیان تبلیغات وسیع و گسترده ای را بر علیه آنها می کوشند که در کارخانه ها عده ای از کارگران راه نام کارگران مذهبی در برابر همه مردم باید بر علیه امیرالیزم است

عده ای دیگر بنام کارگران غیر مذهبی و سرمایه داران وابسته متوجه باشند، قرار دهند تا شاید بتوانند در میان کوششهایی صورت می گیرد که این مبارزه کارگران تفرقه بیندازنده است.

جان حماد شیبانی در خطر است

حماد شیبانی، چریک فدائی خلق که سالها با رژیم شاه و دولت صهیونیستی اسرائیل جنگیده است امروز در زندان به سر می برد. حماد به خاطر اعتراض به بازداشت بی دلیل خود از دهم خرداد در اعتصاب غذا است و متاسفانه خاطر عدم رسیدگی مقامات و عدم مراقبت های پزشکی جان حماد در خطر است.

کشتار خلق عرب خیانت به خلق هاست

می شوند. بدنبال این واقعه سازمان مذکور به شدت به دستگیری اعضا خود اعتراض می کند و خواستار آزادی آنها می شود. پس از مدتی افراد مذکور خلع سلاح شده و آزادی می شوند. دستگیری ۳ نفر از اعضا "سازمان سیاسی خلق عرب خوزستان" به تشجعات موجود دامن می زند.

وقایع اخیر خوزستان که منجر به شهید شدن تعداد زیادی از هم میهنان شده است یکبار دیگر ثابت می کند که مسئله خلقها را نمی توان با توسل به زور و با چربسب های تحریک کننده و توطئه گرانه حل کرد. سرکوب خلقها جز اینکه کینه و دشمنی را برانگیزد و به اتحاد و یکپارگی خلق های میهن ما آسیب برساند نتیجه ای نخواهد داشت. ما در این شماره خلاصه ای از وقایع خرمشهر را تا آنجا که اطلاعات مستندی به ما رسیده است، در اختیار خوانندگان قرار می دهیم و شرح کامل وقایع اخیر خوزستان را در آینده به چاپ خواهیم رساند.

صبح روز دوشنبه هفتم خرداد سه نفر از اعضا "سازمان سیاسی خلق عرب خوزستان" توسط پاسداران و کماندهای ارتش دستگیر و به مرکز دژبان منتقل

با بازگشت شیخ محمد طاهر شبیر آل خفانی که برای مذاکره پیرامون مسائل مربوط به خلق عرب خوزستان به تهران و قم مسافرت کرده بود عده ای امید داشتند که مسائل مورد اختلاف حل می شود، اما این مذاکرات به نتیجه نرسید و تحریکات و کارشکنی افرادی که همیشه در پی تفرقه اندازی در صفوف خلق ما هستند ادامه یافت. بقیه در صفحه ۲

فرماندهان ارتش هنوز خواب دوران شاهنشاهی را می بینند

فرماندهان ارتش دوباره گستاخی را آغاز کرده و به تهدید، ارعاب و عوام فریبی پرداخته اند. آنها دو - سه مذبوحانه می کوشند سیستم اطاعت کورکورانه و شستشوی مغزی زمان شاه را زنده کنند. در اینجا دو نمونه زیر لایم است.

۱- سرتیپ امیر رحیمی، درجه - داران و پرسنل انتظامی ارتش را که در دفاع از دستاوردهای انقلاب، خواستار لغو اطاعت کورکورانه هستند، تهدید می کند و به استناد قوانینی که کارشناسان امیرالیزم آمریکا و صهیونیستها در ارتش شاهنشاهی تدوین کرده اند، سربازان، درجه داران و افسران را به سرکوب تهدید می کند و در کمال وقاحت می کوشد شیوه ها و قوانین ضد مردمی و جنایتکارانه سابق را زنده کند، قوانینی که برای بقیه در صفحه ۲

پیروزی کارگران بر حيله و ارعاب کارفرما

این شرکت حدود سال ۱۳۴۴ بانام آنتروپوز و با سرمایه فرانسوی در ایران تاسیس شد و در سال ۱۳۵۱ قسمتی از فعالیتهای آن به شرکت فسان که ظاهراً ایرانی بود واگذار شد. کار این شرکت بیشتر طرح های بزرگ ساختمانی و خنک لوله گاز است. تعداد کارگران این شرکت در سال ۱۳۵۶ حدود ۸۵ نفر بود. با شروع بحران، سرمایه داران برای حفظ منافع خود و بدون توجه به حقوق کارگران به اخراج تدریجی آنها پرداختند. از مهر سال گذشته کارفرما از نبودن مرجعی برای احقاق حقوق کارگران استفاده کرد و آنها را با حداقل مزایای اخراجی (به ازای هر سال سابقه کار ۱۵ روز حقوق) مجبور به تصفیه حساب کرد و در آبنامه شرکت را تعطیل کرد. در گذشته کارگران فقط یک نماینده داشتند که از طرف کارفرما انتخاب شده بود. بقیه در صفحه ۵

بدون مجلس مؤسسان  
حقوق مردم ایران پایمال میشود

زاهدی، شاپور بختیار و... صادر شده است یانه؟ چه کسی مخالف اعدام این خائنین است؟ مجلس موسسان به چه سرنوشتی دچار خواهد شد؟ و این همه قول و قرارها درباره این مجلس به کجا خواهد رفت؟ این سئوالات و هزاران سؤال نظیر اینها برای مردم بی جواب مانده است، هیچ کس خودش را مسئول پاسخ به مردم نمی داند و احساس مسئولیت نمی کند. از میان سئوالات فوق در مقطع تاریخی کنونی این سؤال حائز اهمیت زیادی است که:

امروزه مردم از خود می پرسند: "به حرف چه مقامی باید اعتماد کرد؟ حرف دولت موقت و سایر مقامات تا چند روز اعتبار دارد؟ نقش دولت موقت تا چه اندازه است؟ تکلیف مردم در مقابل ایندهم مطالب ضد و نظیف که در مطبوعات و رادیو تلویزیون از زبان خود مقامات می شنوند چیست؟ کدام را باور کنند؟ ادعای وزیر امور خارجه دکتر تیزی را باور کنند یا اظهارات رئیس دادگاه انقلاب یا حاکم شرع را؟ بالاخره حکم اعدام غیابی خائنین نظیر محمد رضا پهلوی فرح پهلوی، اشرف پهلوی، اردشیر

آیاد مکرسی میتواند برای مدتی طولانی دوام پیدا کند؟

چهارچوب رژیم سرمایه داری به عهده دارند. دادگاهها و قضات بطور نسبی استقلال عمل دارند و در حوزه قوانین موضوعه (که حافظ منافع سرمایه داران می باشند) می توانند آزادانه عمل کرده و حقوق فردی و اجتماعی افراد و موسسات را حفظ نمایند. قوه مجریه نیز بالنسبت مستقل از سایر قوا، وظیفه اجرای قوانین را بعهده دارد، پلیس و ارتش بعنوان ابزار اصلی سرکوب، ضامن اجرایی قوانین سرمایه داری هستند. در چنین سیستمی، جناحهای مختلف سرمایه داران آزادانه با یکدیگر رقابت می نمایند. قوانین موضوعه از طرف دولت به رسمیت شناخته شده و نمایندگان گذراندن قوانین گوناگون مملکتی را در

آباد ایران مکرسی می توانست برای مدتی طولانی دوام پیدا کند؟ رهنمای سیاسی در هر جامعه انعکاسی از روابط تسلیدی حاکم در جامعه است. در یک جامعه سرمایه داری کلاسیک، هنگامیکه تضادهای اجتماعی و مبارزه طبقاتی حدت نگرفته است، رژیم حاکم می تواند از طریق روشهای بظاهر دمکراتیک بر مردم حکومت نماید. در چنین حالتی، قانون اساسی و سایر قوانین جامعه، حدود اختیارات و وظایف افراد و موسسات اجتماعی را تعیین می کنند. اهالی مملکت می توانند از طریق انتخابات به اصطلاح آزاد دمکراتیک، هر یک از نمایندگان سرمایه داران را که می خواهند انتخاب نمایند و مجالس قانونگذاری و وظیفه گذراندن قوانین گوناگون مملکتی را در

پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر

# قیاده موقت ستون پنجم امپریالیسم در کردستان

رژیم سابق برای سرکوبی خلقهای ایران بخصوص خلق کرد علاوه بر سرکوبی مستقیم نظامی همکاری فئودالها و نیروهای مرتجع منطقه را نیز به خدمت می گرفت و از آنها همچون مترسکهای جهت ایجاد رعب و وحشت در میان خلقها استفاده می کرد.

در این میان یکی از مرتجعترین و خودفروشی ترین نیروهای ضدانقلابی کردستان دازودسته ملامصطفی بارزانی است که بزرگترین خدمات راه امپریالیسم آمریکا و رژیم پهلوی نموده اند.

این دارودسته ضدانقلابی پس از توافق شاه با دولت عراق به ایران پناهنده شدند و پس از مرگ رهبر مزدورشان توسط ساواک ایران، میت ترکیه و موساد اسرائیل تحت عنوان "قیاده موقت" سازماندهی شده و برای مبارزه با نیروهای مترقی در ایران و ترکیه استقرار یافتند و بعنوان ستون پنجم امپریالیسم به نقش کثیف خود ادامه دادند. مادر اینجاست سندی از همکاری ملامصطفی بارزانی با ساواک ایران را برای اطلاع بیشتر خوانندگان عیناً منتشر می سازیم.

مسئله بسیار مهم این است که حتی حالاً هم پس از قیام خلقهای ایران باز شاهد فعالیت این نیروها تحت رهبری فرزندان ملامصطفی بارزانی (ادریس سعید) در منطقه هستیم که از حمایت کامل ارتش نیز برخوردار هستند و آشکارا به کشتار خلق کرد می پردازند.

واقعا بسیار شگفت انگیز است که از این دارودسته مزدور در مراسم روز فلسطین (در دانشگاه تهران) بطور رسمی دعوت به عمل می آید و جای مخصوصی به آنها داده می شود و با شرم آور است که نماینده ارتش در کردستان همراه با دیگر فئودالهای محلی روز مرگ ملامصطفی بارزانی این عامل دست نشانده امپریالیسم را در مراسم ترتیب می دهند و بر گور گل نشانی می کنند و او را لقب " مبارز " مفتخر می سازند.

از آنجاکه مسئولیت مستقیم هرگونه حادثه آفرینی امثال کشتار خلق کرد در نطقه و سنجند و... به عهده نیروهای است که دارودسته قیاده موقت را زیر چتر حمایت خود گرفته اند دولت باید هرچه سریعتر موضع خود را در مقابل خلق کرد نسبت به این دارودسته روشن سازد. ذکر این نکته لازم است که دارودسته رهبری قیاده موقت و زمینداران بزرگ کردستان را که از این گروه حمایت می کنند خائن به خلق کرد و همه خلقهای ایران می دانیم و معتقدیم که عناصر ناآگاهی که فریب این رهبران و خائنان را خورده اند می توانند و باید هرچه زودتر راه خود را از این عناصر خائن جدا کرده و با خلق کرد همگام شوند.

۰۴ - (۳ - ر) (۳ - ر) (۳ - ر)  
همه - ف - (۳ - ر) (۳ - ر) (۳ - ر)  
تیراندازی چهار نفر تبعه عراق بمقتل عبدالله خضری  
بهر شماره ۵۲ / ۱۱ / ۲۳ - ۵۲ / ۱۱ / ۲۳ - ۵۲ / ۱۱ / ۲۳

گزارش بعدی منطقه مهاباد مستند بگزارش گروهان نقده حاکمیت بر اثر تیر تیر تبعه عراق توسط بازماندها دستگیر و در آنسوی مرز با دولت مهاباد تاجه نیز دستگیر شده - چنانچه اشخاص مورد نظر بجات شاهنشاهی مراجعت نموده نموده استگیری آنان اقدام نمایند -

۰۳ - ف - (۳ - ر) (۳ - ر) (۳ - ر)  
تیراندازی چهار نفر تبعه عراق به منزل عبدالله خضری  
بهر شماره ۵۲ / ۱۱ / ۲۳ - ۵۲ / ۱۱ / ۲۳ - ۵۲ / ۱۱ / ۲۳

گزارش بعدی منطقه مهاباد مستند بگزارش گروهان نقده حاکمیت بر اثر اقدامات ساواک چهار نفر تبعه عراق توسط بازماندها دستگیر و در آنسوی مرز با دولت مهاباد تاجه به اسگهای تاجه نیز دستگیر شده چنانچه اشخاص مورد نظر بخاک شاهنشاهی مراجعت نمودند نسبت به دستگیری آنان اقدام نمایند -

۰۳ - ف - (۳ - ر) (۳ - ر) (۳ - ر)  
موضوع تیراندازی چهار نفر تبعه عراق منزل عبدالله خضری  
عطف با مره ۵۲ / ۱۱ / ۲۳ - ۵۲ / ۱۱ / ۲۳ - ۵۲ / ۱۱ / ۲۳

گزارش گروهان نقده حاکمیت در مورد دستگیری اشخاص مورد نظر ستورات لازم به اسگهای تاجه صادر که بمحض مراجعت از آنسوی مرز نسبت به دستگیری آنان اقدام نمایند گروهان مذکور اضافه نموده که برابر اطلاع بر اثر اقدامات ساواک نامبرگان وسیله ملامصطفی بارزانی دستگیر - و در آنطرف مرز بازداشت میباشند -

۰۳ - ف - (۳ - ر) (۳ - ر) (۳ - ر)  
بازگشت به ۵۲ / ۱۱ / ۲۳ - ۵۲ / ۱۱ / ۲۳ - ۵۲ / ۱۱ / ۲۳  
جهت اطلاع از نتیجه اقدامات بعدی -

بقیه از صفحه ۱

# گرامی باد...

غوطه خوردند و در باربان، سرمایه داران وابسته و اربابان آمریکائی آنها بر دربارائی از خون خلق قبیله جنون آمیز پیروزی سردادند. پیروزی دروغینی که در واقع سر آغاز زوال و مرگ امپریالیسم و عمالش بود.

پانزدهم خرداد چهل و دو بزرگ سرخ دیگری است در تاریخ مبارزات خلقهای ستمدیده ایران و داغ تنگ دیگری است بر پیشانی امپریالیسم جنایتکار جهانی، به ویژه امپریالیسم آمریکا، در این روز خلق مادر برابر رژیم شاه و اصلاحات دروغینش که به دستور مستقیم امپریالیسم آمریکا آغاز شده بود و هدفی جز تأمین منافع امپریالیسم و سرمایه داری وابسته به آن و تثبیت رژیم نداشت، دلاورانه برخاست و رژیم در برابر امواج خروشان خلق، مثل همیشه ارتش سرکوبگر خود را به میدان فرستاد.

قیام خونین ۱۵ خرداد نه تنها عمق کینه و نفرت خلق مارانسیست به امپریالیسم و توکران داخلی نشانی داد. نه تنها بیاگر عزم و اراده همیشه زنده مردم، جهت دست یافتن به آزادی واقعی بود، بلکه از جنبه مهمتر مشت محکمی بود بر دهان یاوه سربازان و فرصت طلبانی که سالها از میدان نبرد زبونانه گریخته بودند و تمام جیب و خباثت خود را به مردم مانسبت می دادند از این جهت ۱۵ خرداد نقطه پایانی بود بر تمام سیاستهای سازشکارانه و فرصت طلبانه ای که تا بدان روز از جانب دارودسته کمیت مرکزی حزب توده و سایر نیروهای سازشکار در جنبش خلق تبلیغ می شد و خون گلگون خلق ما را به سرخ رهایی راه پیشگامان واقعی خلق نشان داد و آندوخته عظیمی برای بیکارهای خونین و سرنوشته ساز آینده فراهم نمود. تجربه ای که مردم آزدل و جان آنرا موختند و در نبرد حماسی خویش علیه ارتجاع و امپریالیسم آری را بکار گرفتند.

مبارزات دلاورانه خلقهای قهرمان ایران از پانزده خرداد چهل و دو به بعد پنهان و آشکار در گوشه و کنار میهن ادامه یافت و در سالهای اوج سلطه مرکبار امپریالیسم آمریکا و سگهای زنجیری اش فرزندان راستین خلق با مشاعلهایی که در آتش خشم و کینه شهدای پانزده خرداد فروزان شده بود، خرمن مبارزه را شعله و ساختند و مزدوران و جلادان غارتگر هرگز نتوانستند زبانههای فـروزان و گدازنده عشق به استقلال و آزادی میهن را که می رفت تا کاکهای غارتگران و ستم گران راه آتش کشتند خاموش کنند. در این روز و روحانیت مبارزه رهبری آیت الله خمینی هنگام با مردم مبارز مادر برابر طرحها و قراردادها ی اسارت با امپریالیستی که میهن ما را به جرح و سیر عراده امپریالیسم جهانی تبدیل می نمود به پسا خاستند و بدین گونه رای قاطع خلق که با خون هزاران شهید تأیید شد، نشان داد که توکران امپریالیسم در میان خلق ماهیج پایگاهی ندارند و پناه بردن آنها به توپ و تانک در مقابل خلق چیزی نیست جز بیان ضعف و وحشت آنها از قدرت عظیم خلق.

بدون تردید یاد هزاران شهیدی که در پانزده خرداد چهل و دو در راه آزادی و استقلال میهن در راه محو سلطه امپریالیسم و سرمایه داران سرسپرده آن جان باختند برای همیشه در قلب بزرگ و جاودان خلق زنده و جاودان است. در شانزدهمین سالگرد پانزده خرداد، یاد شهدای گرامی این روز بزرگ و همه زنان و مردانی که در غریب استقلال طلبانه خلق، شهادت را برگزیدند و منطق وحشیانه سلسلهها و توپهای دشمن را تحقیر کردند، را گرامی داریم و بار دیگر با خون پاک شهدا عهد ببندیم که در راه رهایی کامل خلقهای ستمدیده ایران از قید امپریالیسم و سرمایه داران غارتگر وابسته به آن دفاع از دستاوردهای قیام خونین مردم، از هیچ گونه فداکاری و جانبازی دریغ نخواهیم کرد. در این راه دشوار وحدتی را که شهدای خلق در زیر رگبارهای جلادان بی رحمتند به کمک می گیریم و هرگز فراموش نمی کنیم که همبستگی همه کارگران، دهقانان، زحمتکش و نیروهای ترقی خواه، ضامن پیروزی نهائی بر امپریالیسم و سرمایه داران وابسته به آن است. گرامی باد خاطره شهدای ۱۵ خرداد شمتحکم باد پیوند کارگران دهقانان و زحمتکشان میهن

بقیه از صفحه ۱

# کشتار خلق عرب

حوالی ساعت ۹ صبح روز هشتم خرداد حدود سه هزار نفر از اهالی شهر که عمدتاً از میان کسبه، بازاریان و تجار بودند به دعوت "کانون فرهنگی - نظامی انقلابیون مسلمان خرمشهر" و ستاد پاسداران انقلاب، به طرفداری از مدنی که خیربرکناری وی پس از بازگشت شیخ محمد طاهر آل شیر خاقانی، در شهر شایع شده بود دست به راهپیمائی زدند. راهپیمایان در قطعه نامه خود کمتر از سیصد اشاره ای به حقانیت اعراب خوزستان در طرح حقوق خلق عرب نکردند و عملاً تمام جریانهای سیاسی خلق عرب را ضد خلقی و ضد انقلابی معرفی کردند. این تحریکات خشم وسیع توده های عرب را برانگیخت و در پی حمله چند نوجوان به مأمور اداره بندر و پاسداران مسلح که در ضمن آن دو نفر کشته شدند، اوضاع بازم وخیم تر شد. در این میان پیداشدن سرور کله افرادی نظیر علی محمدی که از افراد ارتجاعی و مشکوک است به تشنحات بیشتر دامن زده شد. به هر حال بدنبال این وقایع جلسه انبیت شهر با حضور فرماندهان نظامی و امنیتی شهروچند روحانی مورد تأیید استاندار و فرمانداری خرمشهر تشکیل شد.

- ۱- مسلح کردن افرادی که در مسجدها جمع کرده بودند و متشکل کردن تمام نیروهای شبه نظامی اعراب پاسداران، مأموران کمیت، افراد کانون فرهنگی نظامی و چند گروه مذهبی دیگر و تعدادی کودکان کم سن و سال و در اختیار گذاشتن همه این نیروها تحت فرماندهی مسئولین نظامی کانون فرهنگی - نظامی.
- ۲- انتقال بیش از ۴۰ پاسدار از تهران تحت نظر فرماندهان از تهران تعیین شده و تعدادی دیگر از پاسداران که در پیگاه دزفول تعلیمات می دیدند بوسیله هلی کوپتر و استراخان به خرمشهر و در آنجا در فرمانداری برخی نقاط حساس.
- ۳- نقل و انتقال نیروهای ارتش بخصوص نیروهای زرهی از یادگانهای آبادان خرمشهر و اهواز به طرف حومه شهر و بخصوص حومه غربی.
- ۴- اعلام آماده باش به نیروهای مستقر در پیگاههای دریائی خرمشهر و مجهز ساختن نواحی های نیروی دریائی برای مداخله فوری.
- ۵- بستن راههای ورود به شهر بوسیله نیروهای نظامی و پاسداران.
- ۶- آماده ساختن نیروهای مسلح شهرائی.

در تمام طول شب نقل و انتقالات نظامی صورت می گرفت و پرواز هلی کوپترها آتی قطع نمی شد. پس از این مقدمات در ساعت ۴ صبح روز چهارشنبه سه اردیبهشت حمله به "کانون فرهنگی عرب" و سازمان سیاسی خلق عرب آغاز شد. در کانون فرهنگی عرب به ۳ نفر که در حال تحصن بودند بدون مقاومت دستگیر شدند. ضمناً کانون فرهنگی عرب به هیچ وجه مسلح نبود. اما افراد محافظ سازمان سیاسی خلق عرب خوزستان که با حمله آشوبناک ناوچه های نیروی دریائی و نیروهای پاسدار و گماندوهای اعزامی از یادگانهای اهواز و زور برور شده بودند، مقاومت می کنند که در نتیجه هشت نفر از محافظین کشته شدند و دو نفر دیگر موقتاً به فراری می شوند. در این میان توسط نیروهای ارتشی و پاسداران به سوی عده ای از مردم که در نزدیکی این مراکز جمع شده بودند تیراندازی می شود که تعدادی کشته و زخمی می شوند. همچنین عده ای که به قصد کمک به مدافعین از رودخانه عبور می کردند زیر حمله آتشبارهای نیروی دریائی غرق می شوند. توده های مردم عرب که شدیداً عصبانی شده بودند با چوب و چماق و دربارهای موارد با کوبیدن مولوتف به پاره های ساختمانهای دولتی حمله می کنند و چند ساختمان دولتی، فروشگاه و انبار متعلق به عده ای از توطئه گران محلی به آتش کشیده می شود. بلافاصله دستگیری افرادی که از قبل شناسائی شده بودند آغاز می شود و در گریه ها و روستاها و نواحی حومه ای و نخلستانهای اطراف شهر گسترش می یابد.

طی درگیری های سه روز اول دهها نفر به قتل رسیدند و بیش از دویست نفر زخمی شدند. تعداد بازداشت شدگان تاکنون بیش از ۱۰۰ نفر بوده است. ضمناً پس از درگیریهای پرورهای اول، از طرفی مردمی که مورد حمله جنگ افروزان قرار گرفتند، در مسجدها و اماکن صاف در خرمشهر چندین هزار نفر دست به تحصن زدند که تاکنون طی تظاهراتی با شعارهایی از قبیل "مرگ بر مدنی" و "نابود مساد توطئه گران به اعتراض خود همچنان ادامه می دهند.

بقیه از صفحه ۱

# فرماندهان ارتش

ناوودی ان دهها هزار تن از بهترین فرزندان ایران به شهادت رسیده اند. ۲- سرتیب امانیان، فرمانده نیروی هوایی که هنوز خواب دوران شاهنشاهی را می بیند، از یک طرف به تصفیه پرسنل نیروی هوایی دست می زند و از سوی دیگر در کمال عوامفریبی خیر اخراج همافران را در روزنامه تکذیب می کند و درست به تشوه سابق به مردم ایران دروغ می گوید. مامین محکوم کردن اعمال ضد انقلابی و عوامفرسائه فرماندهانی که حصارت راه حالی رسیده اند که دم از سرکوبی می زنند و با از یک سو با تصفیه پرسنل انقلابی، ارتش را برای سرکوبی آینده آماده می سازند و از سوی دیگر در کمال وقاحت خبر تصفیه را تکذیب می کنند، اعلام می دارم که سربازان، درجه داران و افسران آگاه انقلابی ماکه از حمایت مردم قهرمان ایران برخوردار هستند هرگز در برابر منتی فرماندهان ارتش شاهنشاهی میدان را خالی نخواهند کرد و بدون تردید لدر آینده ای نزدیک

بنا به اظهارات سرتیب امانیان متن مندرج در آئیندگان مورخه ۹ خرداد ۱۳۵۸ با عنوان "هیچ همافری اخراج نشده" خواهشمند است فتوکی نامه اخراجی یکی از همافران این نیرو در مورخه ۵۸/۲/۱۰ را جهت آشکار ساختن اظهارات ساختگی سرتیب امانیان و تکذیب گفته های ایشان در روزنامه هادرج شود و از همه مهمتر اینکه دلیل اخراج همافر ۲ نامبرده در فتوکی نامه ذیل بی انطباقی مکرر و جهت پاکسازی ارتش قید شده است در صورتیکه همه فرماندهان نیروی هوایی آگاه هستند منای انضباط خدمتی این نیرو بعد از سرنگونی رژیم قبلی تاکنون وضع ثابتی ندارد و همافر نامبرده فقط خواهان تشکیل شورای مشاور فرماندهی در سطح فرماندهان کل و جزو بوده است که مورد تصویب اکثریت همافران و سایر پرسنل نیروی هوایی می باشد، چون مانظمان خدمتگذار به مردم و محافظ این مرز و بوم دیگر نمی خواهیم که فرماندهان قبلی که نگهبان رژیم دیکتاتور و مستبد پهلوی بوده اند امروز هم همان ها با عوض کردن رنگ خود حاکم بر سرنوشته پرسنل زبردست خود باشند. لذا این حق قانونی ما پرسنل هوایی است که خواهان تشکیل شورای مشاور فرماندهی باشیم و اگر سرتیب امانیان فرماندهی این نیروی حساس را عهده دارند نباید بی خیر از وقایع و اتفاقات امثال اقدام نامه ای منسی بر تصفیه همافران توسط سرهنگ وفا بی و اخراج همافر ۲ اصغر دانشور باشند و در اظهارات خود اخراج نمی چند از همافران را یک شایعه قلمداد کنند جهت صحت اظهاراتم مسئولین منکر اعمال فوق می توانند به اصل نامه و پرونده موجود نامبرده به ستاد نیرومراجعه نمایند تا حقیقت امر روشن گردد. گروهی از همافران نیروی هوایی این متن کامل نامه گروهی از همافران نیروی هوایی است که مناسفانه بعلت نبودن جامو قف به چاپ فتوکی ضمیمه نشدیم.

سرمایه دار وابسته

در مقابل

سه هزار کارگر

تهران - در حالیکه کارگران برای دست آوردن حقوق خود و نظارت و مشارکت در تولید کارخانه ها و ایجاد شوراها و تشکیلات کارگری مبارزه می کنند، سرمایه داران نیز به مخالفت و نقشه کشی برای مقابله با خواسته های برحق کارگران ادامه می دهند.

حاجی برخوردار " مالک کارخانه پارس الکتریک که بخاطر وابستگی به سرمایه داران امریکائی و صنایع مونتاژ و مکیدن خون کارگران دارای میلیاردها تومان ثروت شده یک نمونه از سرمایه دارانی است که اکنون نیز (پس از انقلاب مردم ایران) همچنان به مبارزه با کارگران ادامه می دهد و مثل گذشته بر "خرماد" سوار هستند.

حاجی برخوردار " که "برخوردار" از حمایت دولت و وزارت کار و بعضی از کمیته ها است تاکنون حاضر نشده است خواسته های اساسی کارگران را بپذیرد. کارگران کارخانه پارس الکتریک در جلسه مجمع عمومی روز نهم اردیبهشت خود ضمن بیان مطالب بالا و افتای اعمال حاجی برخوردار و وابستگی او به بعضی از مقامات فعلی (که پرداخت کمک با کارانه ۲۰ میلیون تومانی اش در آغاز قیام یک نمونه از آن است) خواسته های خود را مطرح کردند. یکی از اعضای شورای کارگران در این جلسه گفت:

" ما خواسته های ده ماده ای خود را که قبلاً تنظیم کرده بودیم با کارفرما در میان گذاشتیم ولی او به غیر از چند مورد جزئی حاضر به پذیرفتن خواسته های ما نشد. یکی از مهم ترین خواسته های ما به هم پیوستن قسمتهای تولید کارخانه شرکت خدمات پارس (وابسته به کارخانه پارس الکتریک) است که روی هم رفته نزدیک به سه هزار کارگر دارد.

همه ما می دانیم که حاجی برخوردار سه سال پیش بخاطر پراکنده کردن کارگران و بدست آوردن سود بیشتر این دو قسمت را از هم جدا کرد، در حالیکه ما سائل مشترکی داریم و باید با هم مشکل شویم. ما به مبارزه برای متشکل شدن خود ادامه می دهیم و چنانچه کارفرما حاضر به پیوستن این دو قسمت نشود باید دست کشیدن از کار و اقدامات قاطع این کار را راعلی می کنیم."

کارخانه در آمد زیادی دارد و در چند ماه گذشته با بالا رفتن قیمت تلویزیون و ایجاد بازار سیاه این درآمد افزایش پیدا کرده است. ماحق خود را می خواهیم و دیگر اجازه نمی دهیم کارفرما این درآمدهای سرشار را که حاصل کار و زحمت ماست به جیب بزند."

لازم به یادآوریست که قسمت تولید کارخانه در حدود ۲۵۰۰ کارگر و شرکت خدمات پارس که کارش تعمیر وسایل الکتریکی است بیش از ۳۰۰ کارگر دارد. چند ماه پیش شوراها این دو قسمت نمایندگان خود را که به ترتیب ۴۰ و ۱۰ نفر هستند انتخاب کردند و یکی از وظایف خود را به هم پیوستن این دو قسمت قرار دادند. شوراها به افشا و پاکسازی کارخانه ها از مدیران و سرپرستان مزدور ادامه می دهند و توانسته اند بعضی از خواسته های کارگران مانند اضافه دستمزد ۲۵ روز راعلی کنند.

حاجی برخوردار تلاش می کند میان کارگران تفرقه بیندازد و تاکنون چند بار شوراها را تهدید کرده و گفته است آنها را به رسمیت نمی شناسد. کارگران کارخانه پارس الکتریک که در سالهای گذشته نیز علیه کارفرما مبارزه کرده و چندین بار بطور متشکل و یکپارچه قیام کرده اند، همچنان به مبارزه خود ادامه می دهند.



گسترش اعتصابات در کارخانه ها

گسترش اعتصابات در کارخانه ها

در هفته های اخیر تعدادی از کارخانه ها اعتصابات کارگری فرار گرفته است. موج این اعتصابات در حال گسترش است و کارگران در برابر ناپی گیری و بی تصمیمی دولت نسبت به خواسته های ضدامپریالیستی و بطور کلی عدم تحقق خواسته های سیاسی و اقتصادی شان با اعتصاب روی آورده اند. تا با استفاده از شیوه های قاطع تر در جهت رسیدن به خواسته های خود گام بردارند.

اکنون این سؤال پیش می آید که چرا کارگرانی که در سرنگونی رژیم سلطنتی نقشی قاطع داشتند و تازه مدتی کوتاه از قیام خلق می گذرد، این چنین سریع به حربه اعتصاب روی آورده اند.

واقعیت اینست که وقتی که کارگران می بینند دولت از منافع امپریالیست ها و سرمایه داران وابسته دفاع می کند، سرمایه های امپریالیستی و وابسته راملی نمی کند و به عوض در نظر گرفتن منافع کارگران و تلاش در جهت بهبود زندگی آنها، جانب سرمایه داران وابسته را می گیرد و قوانین و مقررات کار گذشته را به آنها تحمیل می کند. کمترین گذشتی نمی کنند و به شیوه های مختلف از جمله اعتصاب و اشکال عالی تر مبارزه برای گرفتن حقوق خود متوسل می شوند. اما اگر دولت دست به اقدامات قاطع ضد امپریالیستی می زد و سرمایه های وابسته راملی می کرد و کاملاً منافع کارگران و زحمتکشان را در نظر داشت، در آن صورت همانگونه که تجربه بسیاری از کشورها نشان داده است طبقه کارگر هرگونه سختی را تحمل می کرد و در راه احیاء اقتصادی از هیچ کوششی فروگذار نمی کرد.

کارگران ساختمانی که در پادگان بدر آباد خرم آباد کاری کنند در تاریخ ۲۲ اردیبهشت جهت دریافت شش ماه پاداش عقب افتاده خود به "مهندس مناب" مراجعه می کنند. این شخص مناب برخلاف قول قبلی خود از پرداخت پاداش شش ماهه کارگران خود داری می کند و کارگران نیز در جلو کمیته فاطمی اجتماع می کنند. سعیدی "سرپرست کمیته ضمن اعتراض به کارگران آنها را ضد انقلابی می خواند و در برابر توضیحات نمایندگان کارگران، آنها را تهدید به دستگیری می کند. کارگران چند اجتماع در محله های مختلف شهر تشکیل می دهند و اعمال ضد کارگری سرپرست کمیته را افشا می کنند.

مبارزه کارگران برای دریافت حقوق عقب افتاده خود ادامه دارد.

کارگران شرکت جرم و پوست خرم آباد در ماه گذشته دست به اعتصاب زدند. آنها خواستار روشن شدن وضع مالکیت کارخانه در زمینه خصوصی با دولتی بودن آن شدند. کارگران اعتصابی همچنان خواهان اخراج کسانی شدند که بوسیله سرگرد و کیلی، رئیس حفاظت سابق شرکت (معاون ساواک خرم آباد) استخدام شده اند.

دریافت ۲۵۰۰ ریال اضافه حقوق که شش ماه است به آنها پرداخت نشده است. خواست دیگر کارگران است.

اهواز - (به نقل از نشریه فولاد) کارگران ماشین سازی پارس اهواز (وابسته به صنایع فولاد) به علت نپرداختن اضافه حقوق که ماههاست از موعد آن می گذرد دست از کار کشیدند. کارگران برای ادامه اعتصاب خود صندوق کمک برای کارگران بی پول تشکیل دادند تا بتوانند در سایه همبستگی و رفاقت به مبارزه خود تاه روزی ادامه دهند.

تهران - کارگران هتل بین المللی برای بازگشت به کار و تعقیب با تمانت قلع صاحب هتل که از وابستگان دربار است متحصن شده اند.



هموطنان مبارز! پیشنهادات و نظریات انتقادی خود را به آدرس زیر ارسال نمایید. تهران - خیابان بلوار، خیابان فدائی (میکده) فیش بانکی کمکهای مالی خود را که به بانک واریز شده است مستقیماً برای ستاد آدرس بانکی سازمان چریکهای فدائی

کارگران مس سرچشمه کرمان

عاملان حمله به خوابگاه کارگران باید تعقیب شوند

۴- کاهش ساعات کار از ده ساعت به هشت ساعت در روز و چهار روز تعطیل در ماه.

۵- تعهد یکساله ای که کارفرما از کارگران برای حقوق ثابت گرفته باطل شود.

ضمناً کارگران در تلاش هستند تا سندیکی خود را برای پیگیری خواست ها شان بوجود آورند.

آمل - کارگران شرکت ساختمانی پرهام واقع در جاده کمربندی آمل که از دی ماه سال گذشته بیکار هستند خواهان شروع فعالیت مجدد کارگاه، پرداخت حقوق سیکاری خود (طی بخشنامه ۶۰۷۵ مورخ ۵۸/۲/۸) و همچنین پرداخت کلیه مزایای قانونی (حقوق اولاد، مسکن، حوار با روغره) هستند.

سنندج - شورای سندیکی کارگران سنندج در تاریخ ۵۸/۲/۲۲ "خانه کارگر" این شهر را در خیابان چهارباغ افتتاح کرد. این نخستین جلسه که در خانه کارگر تشکیل شد اعضای صنف قصاب و خوراکی نیز شرکت کردند و سندیکی خود را بوجود آوردند.

صنادر تاریخ ۵۸/۲/۲۲ شورای سندیکیها به منظور تشکیل شرکت تعاونی کارگران جلسه داشت که هشت نفر به عنوان اعضای شرکت انتخاب شدند.

کارگران شرکت "نیر پارس" خرم آباد قسمت مجتمع صنعتی اسکلت سازی که پس از ماههای بیکاری در تاریخ ۲۰ اردیبهشت به کار بازگشته اند، خواهان تصفیه عناصر ضد انقلابی و وابسته به رژیم گذشته در این کارخانه شدند. کارگران علیه اردشیر مومنی و هم دستانش که در گذشته شیوه های ضد کارگری داشته اند شکایت کرده اند.

بیانیه شورای کارمندان شرکت

واحد - تهران - شورای کارمندان شرکت واحداً توسط شورای تهران و حومه در بیانیه ای به اتهامات هیات مدیره شرکت نسبت به شورا که در نشریه های ۱۹۹۹ اردیبهشت منعکس شده، اعتراض کرده و اعلام داشته اند چنانچه مدیران شرکت حاضر به شناسایی شورا که از طرف کارمندان انتخاب شده اند، شوند، علیه آنها اعلام حرم خواهند کرد.

پیام اتحادیه کارگران بوکان به کارگران روستائی

بوکان - " اتحادیه کارگران بوکان" در پیامی خطاب به کارگران بیکار روستائی ضمن اعلام پشتیبانی از خواسته های روستائیان و یادآوری این نکته که صفوف کارگران، چه شهری و چه روستائی یکی است نوشته اند:

" رفقا و همزنجیران روستائی، ما دروهای رفیقانه خود را نشان شما می کنیم و اعلام می داریم تقسیم کارگر به شهری و روستائی به این بهانه که آنها را از حقوق اجتماعی محروم کنند، تقسیم مذبذبه ای است که باید متحداً علیه آن مبارزه کنیم. مادر دو خواسته های مشترک و سرنوشته مشترک داریم و این سرنوشته ما را به راه و عمل مشترک می کشاند.

در قسمت دیگری از این پیام آمده است:

" مایبکاری و بی چیزی شکارگران روستائی را با پوست و استخوان خود گذارند. احساس می کنیم اقدامات عوامل رژیم گذشته را که با سکوت دولت مشغول توطئه در روستاها هستند محکوم می نمائیم. ما صریحاً اعلام می کنیم که اینگونه تحریکات نه می تواند راه مارا تغییر دهد و نه قادر است شکم کودکان مارا سیر کند. ما دوست و دشمن را از هم باز می شناسیم و توطئه گران را رسوا می کنیم."

عصر روز شنبه ۲۲ اردیبهشت واقعه ای در خوابگاه کارگران مجتمع مس سرچشمه کرمان به وقوع پیوست که مورد اعتراض شدید کارگران قرار گرفت و منجر به راهپیمائی و شکایت گروهی از کارگران به دادگاه و فرمانداری رفسنجان شد. این واقعه نمایانگر اعمال خلاف و ضد کارگری کسانی است که می پندارند هنوز در زمان "آر.ام.پ." به سر می برند و می توانند باز بر پا گذاشتن حیثیت و شرف کارگران به هر عمل کثیف و زنیلانهای دست بزنند. در این روز چند تن از نگهبانان مجتمع مس سرچشمه در بازرسی بدنی دوتی از کارگران تعدادی از ابزار و وسائل کار آنها را به اتهام اینکه می خواستند این ابزار را از محل مجتمع خارج کنند می گیرند. بدنیال این جریان معاون مدیرعامل بنام "سهلول رساور" دستور بازرسی کامل خوابگاه کارگران را صادر می کند. بلافاصله پس از این دستور گروهی از پاسداران به اتفاق شخصی به نام احمد کاشف (از اعضای حفاظت سابق دست نزدیک سرنگ تاجفر رئیس حفاظت سابق که اکنون زندانی است) به محل خوابگاه حمله می کنند. کارگران در برابر این اقدام غیر انسانی مقاومت می کنند اما مهاجمین با شکنجه چند پنجره داخل خوابگاه می شوند و ضمن اهانت به کارگران مشغول زبر و رو کردن اثاثیه آنها می شوند مهاجمین حتی آلبوم عکسهای خانوادگی کارگران را نیز بازرسی می کنند.

کارگران که از این عمل نا جوانمردانه به شدت خشمگین شده بودند روز بعد دست به اعتراض می زنند و اقدام به راهپیمائی به طرف شهر می کنند. هنگام خروج از دروازه معدن در رفسنجان پاسداران مسلح، کارگران را محاصره می کنند اما کارگران به حرکت خود ادامه می دهند و گروهی از آنها مایمی بوس خود راه شهر می رانند و ضمن مراجعه به ستاد انقلاب خواهان تعقیب عاملان این واقعه شرم آور می شوند ولی چون به خواست آنها توجه نمی شود به دادگاه کرمان و فرمانداری رفسنجان مراجعه علیه مهاجمین شکایت می کنند.

کارگران شرکت ملی صنایع مس ایران در بیانیه ای ضمن محکوم کردن این عمل ضد کارگری و غیر انسانی که تجاوز آشکار به حقوق دمکراتیک کارگران است یاد آور شدند تنها کسانی می توانستند اینگونه اتهامات را به کارگران بزنند و به خود اجازه بازرسی محل زندگی کارگران را بدهند که از شرافت انسانی و ارزشهای اخلاقی بی بهره باشند. مجازات عاملان حمله به خوابگاه کارگران شده اند.

\*\*\*\*\*

کارگران ریسندگی و بافندگی رضویه کرمان مجبور به ده ساعت کار شده اند

کرمان - کارگران کارخانه ریسندگی و بافندگی رضویه کرمان که در اثر مسازرات بیکار موق به دریافت حقوق عقب افتاده و عیدی سال گذشته و امال خود شدند اعلام داشتند که خواهان اجرای قطعنامه ۱۲ ماده ای هستند که قبلاً اعلام داشته اند. کارگرانی می گویند کارفرما بنام "محسنی باهمکاری مدیرعامل بنام "حاج علی علی احمدی" می خواهند شرایط گذشته را که طی آن هفت سال خون کارگران را میکده اند دوباره بر کارگران تحمیل کنند. کارفرما با فریب دادن و تهدید بعضی از کارگران از آنها خواسته به در روز تعطیل درآمده ساعت کار روزانه رای بدهند. در حال حاضر این شرایط را به کارگران تحمیل کرده است.

کارگران خواهان اجرای خواسته های زیر هستند و اعلام داشته اند چنانچه به خواسته های آنها توجه نشود کارخانه را بانظر مسئولان اداره خواهند کرد. پاره ای از خواسته های کارگران ریسندگی و بافندگی رضویه کرمان عبارتست از:

- ۱- سلب قدرت از کارفرما (محسنی) و جلوگیری از دخالت او در امور کارگری
۲- افزایش دستمزد
۳- ایجاد شرکت تعاونی و نهادهای خوری و یکسره شدن کار (چون بیشتر کارگران زن هستند و باید به امور خانوادگی شان برسند)

فعالیت خود را به سندیکا محدود نکنیم

ناظم حکمت

بانک رسای همبستگی بین المللی  
کارگران و زحمتکشان



ناظم حکمت، نویسنده، شاعرو انقلابی بزرگ ترک در سال ۱۹۰۲ در استانبول به دنیا آمد. از همان کودکی ونوجوانی به شعر علاقه فراوان داشت. در ۱۸ سالگی شعر بلندی علیه اشغالگران وطنش سرود و بهدینک از سوی انگلیس ها تحت تعقیب قرار گرفت. در ۱۹۰۹ سالگی به شوروی رفت و در دانشگاه مسکو، در رشته جامعه شناسی فارغ التحصیل شد. پس از آن به کشور خود بازگشت. اوزندگی بسیار بی سامان و سرشار از تلخی ورنج داشت. برای گذران زندگی خود به کارهای گوناگونی دست زد. مانند نوشتن در روزنامهها، کار در چاپخانه ها و دوبله کردن فیلم در استودیوها. در سال ۱۹۳۸، همزمان با او جگری روزافزون نهضت آزادی خلق ترکیه به بورش نیروهای فاشیستی حاکم به انقلابیون نیز آغاز شد. ناظم حکمت، که تمام نیروی ذهنی و هنر خلاق خود را در خدمت مبارزه مردم علیه نیروهای اهریمنی فاشیسم فرار داده بود، در این سال در یک دادگاه سری نظامی به اتهام "تلیفات کمونیستی در ارتش" به ۲۸ سال زندان محکوم شد. او در دادگاه از خود و آرمان های اجتماعی فخرمانانه به دفاع برخاست. تلخ در راه پیروزی کمونیسم راندریفت، اما غیرقانونی بودن آن را هرگز.

اوسزده سال تمام همراه با کرسنگی بیماری، شکنجه، تهدید به مرگ هزاران نیرنگ فاشیستی دیگر در زندان به سر برد و سرانجام در سال ۱۹۵۱ پس از آنکه تمامی نیروهای مترقی جهان بکپارچه به دفاع از او برخاستند و دولت ترک را برای آزاد کردنش تحت فشار گذاشتند. از زندان آزاد شد. او بازم در ترکیه تحت نظر بود و ناچار شد از ترکیه به گریز داشته و تاوند مبارزات بی امانش را علیه فاشیسم، ارتجاع و تمامی نیروهای ضد مردمی در پهنه وسیع تری دنبال کند. ناظم حکمت در سال ۱۹۶۳ در سن ۶۱ سالگی در مسکو جهان را بدرود گفت. چه در زندان و چه در بیرون از زندان، ناظم حکمت آنی از یاد خلق های سراسر جهان و آرمان های خود غافل نبود در سلول تنگ و تاریک زندان، قلب این فرزند راستین خلق ترک در همه نبردها و انقلاب ها و پیروزی ها و شکست های جهانی خلق ها و زحمتکشان جهان، پر شور و بی عاطفه می تپید. در رم، مادرید، آدین آبابا، جن، استالینگراد، پاریس، ماریو... هنگامی که رادیو آنکارا سرود فتح هتتر را می خواند، ناظم حکمت در پشت میله های زندان وطنش می سرود. از چهار روز به این طرف مسکو دیگر در خطر نیست..... آنها که با میخ باشند ایشان

به صد آدمی آوردند کوجهای پاریس را از دروازه مسکو عقب نشینتند. در شعر دیگری که درباره بیماری قلبش سروده می گوید. اگر نصف قلبم اینجاست، دکتر نصف دیگرش آنجاست. در چین در هر سینه دم، قلبم در یونان تیرباران می شود. نگاه می کنم از پشت میله ها به بیرون. با وجود همه این دیوارها که بر سینه ام فشار می آورد آهنگ تپش قلبم را در دل دورترین ستاره های منوم. در " سرودهایی برای تارانابابو" شهر رم یعنی قلب فاشیسم ایتالیا را چنین توصیف می کند. آری، تارانابابو ره را چنین بی ریخته اند گلش را بادلوهاشیر ماده گرگ و مثنی خون برادر آمیخته اند. و در جای دیگر به ریشه ها و ارکان فاشیسم نیز اشاره می کند. اوششان می دهد که چگونه شراره های فاشیسم از " عصای اشراف زمیندار" و " گاوصندوق" های بانکداران رم " برمی خیزد و به کله طاس ایل دوچه" ( لقب موسولینی) فرو می رود. شعر ناظم حکمت، به سبب جهانی بودنش عظمت دارد. اما نباید از یاد برد که او پیش از هر چیز، شاعر واقعی طبقه

کارگری بود. در همه اشعار او، ایمان کامل به نقش تاریخی طبقه کارگر در پی ریزی سوسیالیسم موج می زند. او خطاب به کارگران می سراید. این جهان بر شاخ های گاو استوار نیست. تنها بر سرانگشتان شما ایستاده است و می افزاید که اگر همه به شما دروغ می گویند، تنها از آن روست که از طغیان دستهای شما می ترسند! ناظم حکمت تمام امکانات زبان خود، تمام امکانات فرهنگ توده های مردم را با هنر مندی و بی زبانی بکار می گیرد. در شعر او، همگی مفاهیم سیاسی و اجتماعی در عین صراحت و کوبندگی، به شکلی کاملا هنرمندانه در قالب شعر ریخته شده است و از این رو مطالعه آثار او برای علاقمندان هنر و ادبیات کارگری می تواند بسیار آموزنده باشد. مثلاً هنگامی که او می خواهد به جنایت انحصارگرانی که مواد غذایی را به دربار می ریزند تا قیمت آن پایین نیاید اشاره کند، این راه شکل بسیار زیبایی بیان می کند و می گوید. " اکنون ماهیان دریا قهوه می نوشند در حالیکه کارگران و زحمتکشان را با "حرف" سیر می کنند. ناظم حکمت، یک کمونیست بزرگ بود. ناظم حکمت، رفیق طبقه کارگر جهان، دوست همه خلقها و سرودخوان خستگی ناپذیر انترناسیونالیسم پیرومند پرولتری بود.



سخنی با دوستانی که شعر میفرستند

در شماره قبل وعده دادیم که مقالاتی در رابطه با شعر و برای بررسی اشعار رسیده چاپ خواهیم کرد. ممکن است از هفته قبل تا بحال سئوالاتی برای شما پیش آمده باشد مانند اینکه، " چه لزومی دارد اینقدر به شعر بپردازیم؟ چرا در هر شماره فقط شعر چاپ می شود و حالا هم مقاله ای درباره شعر چاپ خواهد شد در حالیکه به دیگر اشکال هنر و ادبیات توجهی نمی شود؟ و اصولاً چرا باید اشعار رسیده را " بررسی" کرد؟ چون واضح است که خوانندگان آنها را برای چاپ فرستاده اند نه برای بررسی. حال ببینیم به این پرسش ها

تنها "تشویق" شما باشد. (بخصوص اگر منظور از این "تشویق"، کمک به حفظ یا ادامه یک رابطه سیاسی باشد.) تجربه حتی نشان می دهد که در مواردی، آثاری که شما "پس از تشویق" برای ما فرستاده اید، به خوبی آثار قبلی نبوده است. پس تنها تشویق (و آنهم تنها با چاپ یک اثر) کافی نیست. ما باید بکشیم " ادبیات کارگری" را به سطح بالاتری ارتقاء دهیم و به آن غنا و اعتدالی بیشتری ببخشیم. و این کار را با بررسی شعر شروع خواهیم کرد چرا که شما خود نشان داده اید که به شعر بیشتر علاقه و توجه دارید.

★ ادبیات کارگری باید بر اساس ایدئولوژی و جهان بینی طبقه کارگر یعنی (سوسیالیسم علمی) ایجاد شده باشد

چگونه می توان پاسخ داد. اینکه چرا ما به شعر زیاد توجه می کنیم، پاسخی بسیار ساده دارد. علت آن، توجه زیاد خوانندگان ما، یعنی خود شما، به شعر است. ما گفتیم که در میان صدها اثری که به دست ما رسیده تقریباً تمام آنها (بجز دوسه مورد) شعر بوده است. پس باید از شما خوانندگان عزیز سؤال کرد که چرا هر موقع به یاد صفحه ادبیات کارگری می افتید و تصمیم می گیرید مسائل و آرزوها و احساسات خود را با ما مطرح کنید، از " شعر" استفاده می کنید و این شکل و شیوه بیانی را بکار می گیرید؟ پس لابد علت و انگیزه ای در میان است که شما بسیاری از حرف های خود را به شکل شعر بیان می کنید. لابد زمینه مساعد و عوامل معینی در فرهنگ ما و در روانشناسی اجتماعی ما وجود دارد که باعث می شود گروه های مختلف خوانندگان ما (کارگران، دانشمندان، دانش آموزان و دانشجویان...) به شعر گرایش و رغبت پیدا کنند. مافعلات توجه به علاقه خوانندگان به شعر، به طرح مسائلی درباره شعر می پردازیم و بررسی علل و عوامل این علاقه را به فرصت مقتضی موقوف می کنیم. این توجه زیاد شما به شعر دووظیفه ایجاد می کند: ۱- وظیفه ای برای روزنامه، شما دوستان و فرستندگان شعر را با مسائل مربوط به شعر همساز و هماهنگ کند. ۲- وظیفه ای برای خود شما، ضمن همکاری با روزنامه و ارائه نظراتتان تفاوت هایی را که میان کلام شعری و غیر شعری هست با شناسیدن مسائل و روابط بهتر و بیشتر در نظر بگیرید. مافکر می کنیم که انجام این دو وظیفه راه رسیدن به ادبیات کارگری را برای همه ما هموارتر می کند و به فراهم آمدن شناخت لازم از طریق بررسی مسائل شعری، یاری می کند. پس روشن است که هدف ما از چاپ آثار شما در این صفحه، نمی تواند (و نباید)

واما چگونه این کار را خواهیم کرد؟ شاید شما انتظار داشته باشید که ما در ابتدا شعر را "تعریف" کنیم و خصوصیات آن را توضیح دهیم. اما این به عملی هست و نه مفید. می دانید که "شعر" یک تعریف واحد و مشخص ندارد و از هر تعریف آن نیز برداشت های ذهنی متفاوتی ممکن است بشود. پس درست تر آن خواهد بود که ما از اشعار خود شما کمک بگیریم. بخش هایی از یک شعر شما را با بخش هایی دیگر از آن یا حتی با شعر یک خواننده دیگر مقایسه کنیم تا شما خود تفاوت ها را دریابید و معلوم شود که چرا یک قسمت از خصوصیات شعری بهره مند است و قسمت دیگر بهره مند نیست. ما از خود شما نیز می خواهیم که در این مقایسه ها شرکت کنید و نسبت به تفاوت هایی که مطرح خواهیم کرد نظر دهید. و از این طریق، به یاری شما اندک اندک معیارها و انضباط ها و اصول اساسی سرودن شعر (از نظر زبان، روابط کلمات و غیره) روشن خواهد شد. ما از شماره بعد بررسی های خود را به شکلی که بیان کردیم آغاز خواهیم کرد و شما هم اگر بارانه نظرات خود ما را در این راه یاری کنید سپاسگزار خواهیم شد. در اینجاست که دیگر را توضیح می دهیم. اول هم چنانکه در شماره قبل یاد آوری کردیم، منظور ما از هنر و ادبیات کارگری، آن هنر و ادبیاتی نیست که فقط درباره کارگران باشد، یا فقط خود کارگران آن را ایجاد کرده باشند. این که چه کسی آن را ایجاد کند یا درباره چه چیزی باشد مهم نیست، مهم آنست که بر اساس ایدئولوژی و جهان بینی طبقه کارگر (یعنی سوسیالیسم علمی) ایجاد شده باشد و از ضوابط "رتالیسم سوسیالیستی" که قبلاً توضیح داده ایم و باز هم در صورت لزوم توضیح خواهیم داد) پیروی کند. اما در عین حال که ما تنها به ایدئولوژی و جهان بینی توجه داریم، باز هم در بررسی اشعار رسیده ناگزیر بقیه در صفحه ۹

# اتحاد کارگران ضامن پیروزی آنهاست

بهبودی، زرتشتی و غیره باید ایمن حق داده شود که اعتقادات و مراسم مذهبی خود را داشته باشند و هیچگاه زیر فشار تفتیش عقاید قرار نگیرند. روحانیت مترقی و مبارز نیز از نظر مسا قابل احترام است.

تنهادهای دشمنان خلق هستند که به اختلافات مذهبی در میان مردم دامن می زنند و آنها را به مذهبی و غیرمذهبی تقسیم می کنند. زیرا از اتحاد و یکپارچگی زحمتکشان می ترسند.

امپریالیستها، سرمایه داران وابسته و مترجمین از اتحاد کارگران وحشت دارند، زیرا که وحدت کارگران مقدمه نابودی آنهاست.

تجربه کارگران نیز ثابت کرده است که هر زمان همه کارگران متحد شده و برابری گرفتن حق خود دست به مبارزه بر علیه سرمایه دار زده اند، پیروز شده اند. اهانگامیکه در میان کارگران تفرقه افتاده است، نتوانسته اند پیروز شوند.

پس اگر امروز درد درون کارخانه ها با اختلافات مذهبی دامن می زند و کارگران را به مذهبی و کمونیست تقسیم می کند کارگران باید آگاه باشند که این توطئه ای است از جانب امپریالیستها سرمایه داران وابسته و نوکران آنها، برای تفرقه انداختن در میان کارگران.

بهبودی، زرتشتی و غیره باید ایمن حق داده شود که اعتقادات و مراسم مذهبی خود را داشته باشند و هیچگاه زیر فشار تفتیش عقاید قرار نگیرند. روحانیت مترقی و مبارز نیز از نظر مسا قابل احترام است.

تنهادهای دشمنان خلق هستند که به اختلافات مذهبی در میان مردم دامن می زنند و آنها را به مذهبی و غیرمذهبی تقسیم می کنند. زیرا از اتحاد و یکپارچگی زحمتکشان می ترسند.

امپریالیستها، سرمایه داران وابسته و مترجمین از اتحاد کارگران وحشت دارند، زیرا که وحدت کارگران مقدمه نابودی آنهاست.

تجربه کارگران نیز ثابت کرده است که هر زمان همه کارگران متحد شده و برابری گرفتن حق خود دست به مبارزه بر علیه سرمایه دار زده اند، پیروز شده اند. اهانگامیکه در میان کارگران تفرقه افتاده است، نتوانسته اند پیروز شوند.

پس اگر امروز درد درون کارخانه ها با اختلافات مذهبی دامن می زند و کارگران را به مذهبی و کمونیست تقسیم می کند کارگران باید آگاه باشند که این توطئه ای است از جانب امپریالیستها سرمایه داران وابسته و نوکران آنها، برای تفرقه انداختن در میان کارگران.

بهبودی، زرتشتی و غیره باید ایمن حق داده شود که اعتقادات و مراسم مذهبی خود را داشته باشند و هیچگاه زیر فشار تفتیش عقاید قرار نگیرند. روحانیت مترقی و مبارز نیز از نظر مسا قابل احترام است.

تنهادهای دشمنان خلق هستند که به اختلافات مذهبی در میان مردم دامن می زنند و آنها را به مذهبی و غیرمذهبی تقسیم می کنند. زیرا از اتحاد و یکپارچگی زحمتکشان می ترسند.

امپریالیستها، سرمایه داران وابسته و مترجمین از اتحاد کارگران وحشت دارند، زیرا که وحدت کارگران مقدمه نابودی آنهاست.

تجربه کارگران نیز ثابت کرده است که هر زمان همه کارگران متحد شده و برابری گرفتن حق خود دست به مبارزه بر علیه سرمایه دار زده اند، پیروز شده اند. اهانگامیکه در میان کارگران تفرقه افتاده است، نتوانسته اند پیروز شوند.

پس اگر امروز درد درون کارخانه ها با اختلافات مذهبی دامن می زند و کارگران را به مذهبی و کمونیست تقسیم می کند کارگران باید آگاه باشند که این توطئه ای است از جانب امپریالیستها سرمایه داران وابسته و نوکران آنها، برای تفرقه انداختن در میان کارگران.

بهبودی، زرتشتی و غیره باید ایمن حق داده شود که اعتقادات و مراسم مذهبی خود را داشته باشند و هیچگاه زیر فشار تفتیش عقاید قرار نگیرند. روحانیت مترقی و مبارز نیز از نظر مسا قابل احترام است.

تنهادهای دشمنان خلق هستند که به اختلافات مذهبی در میان مردم دامن می زنند و آنها را به مذهبی و غیرمذهبی تقسیم می کنند. زیرا از اتحاد و یکپارچگی زحمتکشان می ترسند.

امپریالیستها، سرمایه داران وابسته و مترجمین از اتحاد کارگران وحشت دارند، زیرا که وحدت کارگران مقدمه نابودی آنهاست.

تجربه کارگران نیز ثابت کرده است که هر زمان همه کارگران متحد شده و برابری گرفتن حق خود دست به مبارزه بر علیه سرمایه دار زده اند، پیروز شده اند. اهانگامیکه در میان کارگران تفرقه افتاده است، نتوانسته اند پیروز شوند.

پس اگر امروز درد درون کارخانه ها با اختلافات مذهبی دامن می زند و کارگران را به مذهبی و کمونیست تقسیم می کند کارگران باید آگاه باشند که این توطئه ای است از جانب امپریالیستها سرمایه داران وابسته و نوکران آنها، برای تفرقه انداختن در میان کارگران.

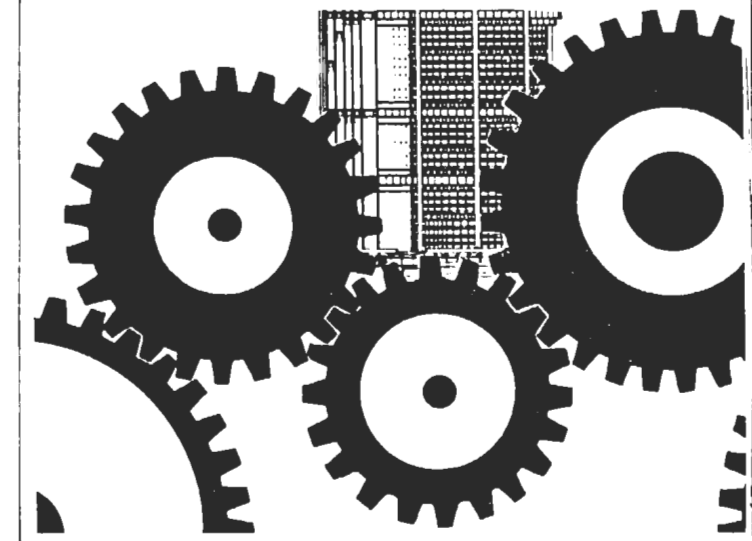
## کارگران شرکت فسان خواست خود را از کارفرما گرفتند

# پیروزی کارگران بر حیل و ارباب کارفرما

س کارگران بهره افکی می کنند از ورود آنها به شرکت جلوگیری کردند. کارمندان به کمند مطبقه رسید و وعده می ملحق را با خود شرکت آوردند. یکی دوس از افراد ملحق برحوردی رسیده با کارگران دانستند و به توضیحات آنها توجهی نکردند و به حمایت از سرمایه دار پرداختند و در چند روز کارگران را با اسلحه تهدید کردند. کارگران از این امر عصبانی شدند و به قفس عمده خود در انقباض اشاره کردند و به سوه برحورد آنها بدست اعتراض کردند. بالاخره در نتیجه مقاومت کارگران افراد ملحق محل شرکت را ترک کردند. پس از این افراد و درسی عاقل تلفی سرمایه دار، عده دیگری از افراد ملحق به همراه یک افسر سپه پاسی و به سرپرستی یک روحانی به شرکت آمدند و نحوه برحورد آنها بسیار زیاد بود و عاقلی داشت. حرفهای روحانی که عمل در سرمایه دار حمایت می کرد مورد اعتراض کارگران قرار گرفت و محسباً متشنع شد. افسر مذکور مسلسل خود را به طرف یکی از کارگران ساه گرفت. کارگران از این عمل وی بدست حمله کردند و سوه های خود را در مقابل او گرفتند و به طرف وی رفتند. افسر از حرکت کارگران ترسید، اسلحه را به روحانی سپرد و کارگران را اورا سرون ایداجند. روحانی نیز خود را ترک کرد.

نصحت کرد و به مسائلی که ربطی به خواسته های کارگران نداشت، پرداخت و در آخر از کارگران خواست که نمایندگی خود را انتخاب کنند. کارگران در جواب به او گفتند: "قبلاً نمایندگان خود را انتخاب کرده ایم."

بالاخره مذاکره سرمایه دار و نمایندگان کارگران به همراهی روحانی و مدیر شرکت آغاز شد. اما بدون نتیجه پایان یافت. نمایندگان نپذیرفتند خواسته هایشان از طرف سرمایه دار را به اطلاع کارگران رسانیدند. یکی از کارگران گفت:



پس نهضت ادامه دارد روز بعد سرمایه دار و نمایندگان وزارت کار از ازمایش چریکی کارگران و نمایندگان آنها، استفاده می کنند و قطعنامه ای را که کاملاً مع سرمایه دار بود به امضای تمامی کارگران می رسانند. براساس این قطعنامه قرار می شود که حدود ۳۰ نفر از کارگران به سرکار بروند و کار باضماعه را تمام کنند تا حقوق کارگران پرداخت شود.

بقیه از صفحه ۱

**چگونگی مبارزه کارگران**

شروع مبارزه با کارفرما بعد از تمام بود. شور انقلابی همه کارگران را در بر گرفته بود. بیرونیهای بدست آمده توسط مردم سطح خواسته های سنگینی کارگران را به مراتب بالا برده بود و همه همان نسبت میزان مبارزه جوئی هم افزایش یافته بود. کارگران استادی برای گرفتن حقوق عقب مانده خود به وزارت کار مراجعه کردند. درسی مراجعه های مکرر به آن وزارت فهمیدند که قصد حل مشکل آنها را ندارد. به این جهت با

دانشجویان تماس گرفتند و در روزی دوم اسفند ماه در جلوی کارگاه اجتماع نمودند و خواسته های عمده خود یعنی "پرداخت حقوق، عقب مانده"، "بازگشتی کارگاه" و "بازگشت کارگران" را مطرح کردند. کارگران در طی مذاکرات دسته جمعی خود به حیل و ارباب سرمایه دار یعنی "نودن کار" و "ضرر رسیدگی" پی بردند. آنها می گفتند "اگر شرکت ضرری کند کارگاه را بدست کارگران ندهد تا کارگران ضرر کنند". صحبت ها در سالن غذاخوری که محل اجتماع آنها شده بود ادامه یافت. کارگری در رهنه اتحاد می گفت:

دانشجویان تماس گرفتند و در روزی دوم اسفند ماه در جلوی کارگاه اجتماع نمودند و خواسته های عمده خود یعنی "پرداخت حقوق، عقب مانده"، "بازگشتی کارگاه" و "بازگشت کارگران" را مطرح کردند. کارگران در طی مذاکرات دسته جمعی خود به حیل و ارباب سرمایه دار یعنی "نودن کار" و "ضرر رسیدگی" پی بردند. آنها می گفتند "اگر شرکت ضرری کند کارگاه را بدست کارگران ندهد تا کارگران ضرر کنند". صحبت ها در سالن غذاخوری که محل اجتماع آنها شده بود ادامه یافت. کارگری در رهنه اتحاد می گفت:

"قبلاً اگر اعتراضی داشتیم، به تنهایی انجام می دادیم و سرمایه دارها هم مارا که برانگیزه بودیم، یکی یکی خفه می کردند و بدین خاطر بود که ما به حقوق واقعی خودمان نمی رسیدیم، چونکه باهم نبودیم. اگر ما باهم متحد بشویم، نیروی ما زیاد خواهد بود و دشمن نمی تواند مارا نابود کند پس ما باید تسامح می توانیم اتحاد داشته باشیم، سندیکا تشکیل بدیم و نمایندگان واقعی خود را انتخاب کنیم و عوامل سرمایه دارونما را بندگان فرمایشی را از بین خود طرد کنیم."

نتیجه بحث و گفتگوها این شد که برای رسیدن به خواسته های ما بطور متحد و از طریق نمایندگان عمل که سر کارگران پس از رسیدن به این نتیجه کارخانه را ترک کردند تا روز بعد با حضور تعداد بیشتری انتخابات را برگزار کنند.

**ادامه مبارزه**

روز بعد حدود هشتاد نفر از کارگران اخراجی جلو دفتر مرکزی جمع شدند و ۴ تن را از بین خود بعنوان نماینده انتخاب کردند و به اتفاق آنها برای مذاکره با سرمایه دار به دفتر وی رفتند. سرمایه دار ابتدا با قدری در مقابل خواسته های کارگران استادی گردولی با برخورد مصمم و فاطمانه کارگران رو برو شد. یکی از کارگران خطاب به سرمایه دار گفت:

"من ۲۵ سال کار کرده ام، چرا باید حق من باطل شود؟ شما سرمایه دارها خون مارا مکیده اید، مارا مسکله دانه انگور فشرده اید، آب مارا گرفته اید و اکنون نغاله هارا بیرون اداخته اید."

در مقابل چنین برخورد های فاطمانه کارگران، سرمایه دار کم کوتاه آمد و حاضر شد امتیازاتی بدهد و در نتیجه به وزارت کار تلغف زد. پس از مدتی نمایندگان وزارت کار به اتفاق یک روحانی به دفتر آمدند. روحانی آغاز

در نهایت پس از آنکه کلیه حیل های سرمایه دار به سحر رسید و او دریافت که کارگران نرسند به خواسته های برحق خود دست از ساراره بر نمی دارد و به محض ادامه می دهد محبوبه عفت سحر بدو قطعنامه کارگران را میگرداند.

علل موفقیت کارگران چه بود؟

از یک طرف ساخت صحیحی از سرمایه دار و حامیان او داشتند و سوه

**کارگران: اگر شرکت ضرر میکند کارگاه را بدست کارگران بدهید تا کارگران ضرر نکنند!**

درست مبارزه کردند. ارجحله کوس کردند تا مبارزه دیگر افتاد و مخصوصاً دانشجویان نبودند تا آگاهی و تجربه آنها استفاده کنند. از طرف دیگر سرمایه دار درک درسی از شرایط جدید داشت و به همان روشهای گذشته عاقلی رود و درک شرایط به عفت سحر مومسی و آگاهی س داد و مودتانه مستلذ نعام کردن کار توسط ۳۰ کارگر را عسوان شرط پرداخت حقوق مطرح کرد. اگر چه حیل جدید سرمایه دار مومنا ساه های ابرپروزی داشت اما آگاهی کارگران آگاه موجب شد که آنها با منافع انقلابی خاص خودشان جواب بدهند:

نه، با همگی با هم سرکاری رویم

و این اوج همبستگی و اتحاد کارگران بود. حقیقت آنست که سرمایه دار تمام امکاناتی که در اختیارش هست استفاده می کند. بکار بانک، مذهب (دعوت از روحانی)، سازدگر یا تهدید و ارباب (افراد ملحق) و بالاخره با وسایل به حامی خود وزارت کار که تمام فواینس ارتعاعی رویم سابق را بدون کم و زیاد سد می کند. این مسئله تازه ایست. سرمایه داران برای حفظ منافع نامشروع خود همواره از کلیه امکانات استفاده می کنند. برای توجیه استثمار کارگران، از وزارت کار و فواینس صدکارگری آن بهره می برند و برای بستن اهداف خوش از کلیه ابزار سرکوب کمک می گیرند.

در مقابل:

"جابه کارگران وحدت و تشکلات است"



روستائیان میگویند:

نمیگذاریم حقمان پایمال شود

شورای دهقانی روستای نوده عطاپای طی اعلامیه ای که در ۱۷ اردیبهشت انتشار دادند خطاب به ملت ساز ایران اعلام داشتند: "زمانی که مردم مبارز ایران به مقابله با رژیم مغز پهلوی پرداختند به همراه تمامی توده های ستمدیده به این قیام شکرهمند پیوستند لیکن بودند کسانی که به نای حق طلبانه خلسه به پاخاسته باخ ندادند و حتی زمانیکه می رفت نظام بوسیده شاه خائن به زباله دانی تاریخ سپرده شود هنوز به استبداد خدمت می کردند و اکنون نیز با کمال تعجب در کمیته ها رخنه کرده و خود رامبارز سربخت و از پیشگامان انقلاب می دانند."

روستائیان پس از شرح مبارزات و تاریخچه روستای خود اضافه می کنند: "... ما هنگام پایشان از انقلاب عدم رضایت خود را به رژیم سابق اعلام کردیم ، زمینی را که سالهای گذشته کشت می کردیم و محصول آن را به سرمایه دار تحویل می دادیم حالا تصرف کرده و سهمی به سرمایه دار نخواهیم داد . در گرما گرم انقلاب از همه طرف به اینکار تشویق می شدیم ولی اکنون بعد از انقلاب و به اصطلاح پیروزی ، کار برعکس شد ، هر روز مثل دوره طاغوت سر و کله ما مورین کمیته و پاسداران انقلاب درده پیدای تودک می گویند زمین مال سرمایه دار است و شرکتیهای کذابی دوره پهلوی معتبرند . آنها با اینکه به حقانیت ما واقفند با ز

تشکیل شورای دهقانی مشترک

اهالی روستاهای (امجلی) و (سلاخ) گنبد روزهای ۲۸ و ۳۰ اردیبهشت اجتماعاتی برای انتخاب و تعیین اعضای شورای ده ترتیب دادند . بعد از سخنرانی هایی که توسط اعضای کانون فرهنگی ، سیاسی خلسه ترکمن صورت گرفت اهالی به انتخاب اعضای شورای دهقانی روستاهای خود پرداختند و پنج نفر را بعنوان عضو اصلی و دو نفر را به عنوان عضو علی البدل انتخاب کردند . شورا بلافاصله تشکیل جلسه داد و پس از انتخاب سرپرست شورا به بحث روی خواسته ها و نیازهای این دو روستا

حنازه صورت گرفته است . از این ده ۱۳ خانوار بیرون رانده شده اند و از هر خانوار ۵۰۰ تا ۶۰۰۰ ریال پول گرفته شده است . از یکی از اهالی یک قبضه اسلحه نیز گرفته اند . اهالی این ده در اطراف منطقه آواره اند . ۲- ده تنگروان . اربابان / رضاحنازه حاجی سامی حنازه - طاهر خان حنازه و پسران حنازه در این ده حاجی حنازه بزور از اهالی درخواست اسلحه می کند و چون آنها اسلحه نداشتند مدت ۳ روز بوسیله اربابان در طویل به زندانبندی می شوند . از این ده جمعا ۱۱ خانوار بیرون رانده شده اند که در اردوگاه پشت کشتارگاه بسر می برند . ۳- مینر آباد - ارباب ده کاکو آسماعی است . در این ده بوسیله ارباب از ۲۸ خانوار ۲۵ خانوار بیرون رانده شده و علاوه بر ضبط تمام اموال زندگی آنان از هر خانواده حدود ۴۰۰۰۰ ریال پول گرفته شده است . این افراد هم اکنون در اردوگاه بالو بسر می برند . ۴- ده در بند - ارباب ده طاهرخان حنازه است . که از هر خانواده ۱۰۰۰۰ ریال پول گرفته شده . ۵- ده خوشولان - یکی از اهالی معترض است که یک عدد تفنگ ۳ به همراه ۱۰۰ عدد فشنگ توسط ارباب پس گرفته شده است . سپس وی را خلسه کرده اند و مبلغ ۵۰۰۰۰ ریال پول که در جیبش بوده برداشته اند . بعد از این مدت ۲۶ روز زندانی کرده شکنجه می کنند به حدی که در اثر ضربات وارده خون ادر او می کند سپس به شرط اینکه این موضوع را به کسی نگوید او را آزاد می کنند . زندانی پس از آزادی بعد از ۱۳ روز در بیمارستان دخانیات پذیرفته شد و شفقت کرد و آزاد گردید . این شخص گفته است که حاجی سامی صد راس کوفتند و را فروخته است و بعد ۲۴۰۰۰ ریال پس انداز او را زهرسوزن به زور گرفته است . از این ده جمعا ۷ خانوار بیرون رانده شده اند . ۶- ده پاون - ارباب ده سعید حامدی است که تاکنون ۱۵ خانوار را بیرون کرده است و حدود نیم میلیون تومان از آنها بزور پول گرفته است . اهالی رانده شده این ده هم اکنون در اردوگاه پشت کشتارگاه سکنی گزیده اند . ۷- ده سورمان آباد - این ده ساکنان نفر ارباب دارد که از ۴۵ خانوار ساکن این ده ۳۰ خانوار بیرون رانده شده اند و علاوه بر غصب زمینهای آنها از هر خانوار ۵۰۰۰۰ ریال پول گرفته شده اهالی این ده در اردوگاه "بالو" بسر می برند . ۸- ده هاشم آباد - ارباب ده حاجی محمد حاتمی وزیر خان حاتمی تمام زمینهای اهالی غصب شده و کلیه اهالی از روستا رانده شده اند و در اردوگاه زرمیوه بسر می برند . ۹- ده گورمک - ارباب ده قادر خان است . از ۱۰ خانوار ساکن ده ۴۵ خانوار بیرون رانده شده است و تمام احشام ده غارت شده و از هر خانوار ۲۰۰۰۰ ریال پول خواسته شده است . رانده شدگان در اردوگاه "سرم" بسر می برند . غیر از روستاهای ذکر شده چندین روستای دیگر هستند که از جنایات زمینداران و فئودالها در امان نمانده اند که ما فقط به ذکر پاره ای از آنها و ذکر مجموع تقریبی خانواده هایی که از این روستاها رانده شده اند می پردازیم . روستاهای پیرانچور - سینا آباد - گنبد - هشتیان - میرآباد - فارس رگه - مین گل - پاون - پردوک - قره آغاج - قصریک - ممه کان - اوچقره - لوزی - درگز - آخبان - گرم بلج - طشت آو - جورنی - لارجان - سه گرگان - قره نسا - و چندین روستای بزرگ و کوچک دیگر که پس از غصب زمینهای آنان تمام اموال و افراد آن که بیش از ۳۰ خانوار و صدها هزارها راس از دامهای آنان بود بوسیله تهاجم اربابان و مزدوران آنان به روستاها به غارت رفت . روستائیان محروم و ستم دیده بارها و بارها مسئولین امور را از این قبیل اعمال وحشیانه زمینداران و سرمایه داران آگاه کرده اند ولی هیچگاه پاسخ روشن و علاج پذیری را دریافت نکرده اند . اکنون پس از قدرت گرفتن روز افزون خائنین در کردستان و ارومیه مردم این منطقه هر آن شاهد تحریکات و تجاوزات متعدد از طرف عوام مسلح و دارو دسته ی مزدور این جنایتکارانند . تحریکات قیاده موقت و تهاجمات همیشگی این گروه از سرسپردگان وابسته به امپریالیزم در ارس تمامی این جنایات است .

خواسته های شورای دهقانی رودبار

شورای دهقانی رودبار دست روستائیان کنسی و ترک کلا طی اجتماعی پس از شرح مختصری از مبارزات مردم و پشتوانه پیروزی آنان که همانا اتحاد و پیوند توده های ستمکش بوده است در قلعناهای خواسته های برحق و قانونی خود را اعلام داشتند . مهمترین خواسته هایشان از این قرار است: ۱- تامین کود شیمیائی مورد نیاز بطور رایگان در اسرع وقت . ۲- تامین سموم گرم ساه خوار

« معرفی يك كارگر مبارز »

در سال ۱۳۲۲ (در شرایطی که یک کارگر ساده با حقوق روزی ۱۷ ریال در دخانیات استخدام می شد) در شرکت دخانیات ایران نخستین اتحادیه کاری تشکیل شد تا توانست مدت زیادی دوام آورد و منحل شد . پس از چندی اتحادیه کاری در دخانیات وابسته به شورای متحده کارگران به وسیله تن از فعالین کارگران به وسیله تن از فعالین کارگران پایه گذاری شد و فعالیت خود را آغاز کرد . این اتحادیه توانست تا حدودی مبارزات صنفی - اقتصادی

و بازگشت شاه خائن به ایران با دستگیری و تصفیه اکثر افراد فعال در مبارزات سندیکایی فعالیت اتحادیه وابسته به شورای متحده تقریبا خاتمه یافت . اختناقه و خفقان بدست در شرکت دخانیات مانند سایر کارخانجات سایه شوم خود را افکند و عملا از آن پستانکون هرگونه حرکت اعتراضی از جانب طبقه کارگر از راههای مختلف به وسیله افرادی مانند عباس میرزایی و سندیکاهای فرمایشی سرکوب می شد . یکی از چهره های مبارز و صادق در فعالیت های سندیکایی شرکت دخانیات در سالهای گذشته تقی باقری بود .



تقی باقری که بود و در رهبری مبارزات سندیکایی چه نقشی داشت؟

تقی باقری در سال ۱۳۹۱ متولد شد او در ایام کودکی پدر و مادر خود را از دست داد و از همان دوران با فقر و رنج آشنا شد . در جوانی در بازار تهران کارگر سیگار پیچ بود و در سال ۱۳۱۶ بعنوان کارگر در شرکت دخانیات استخدام شد . وی در این سالها با اعمال انسانی خود از قبیل کمک به کارگران و زحمتکشان و خانواده های زندانیان سیاسی بعنوان چهره ای خلقی و مردمی بین کارگران شناخته شد . ابتدای فعالیت اجتماعی در حزب حلقه سید ضیا الدین ( حزب اراده ملت ) بود ( او با حزب توده مابنه خوبی نداشت ) بعدها کم کم به مبارزات کارگری کشیده شد و در اتحادیه شرکت دخانیات که اکثر اعضا فعال آن از اعضا شورای متحده بودند علاننه شرکت کرد . در این اتحادیه همه افراد ، چه آنان که وابسته به سازمانهای دولتی بودند و چه افراد باقی مانده شورای متحده و چه جناحهای دیگر شرکت داشتند . تقی باقری از سال ۱۳۲۷ الی ۱۳۳۲ بعلمت فعالیت در این اتحادیه دوباره زندان افتاد ( یکبار زندان قصر و بار دیگر زندان جزیره خارک ) او عقیده داشت که رژیم سلطنتی باید سرنگون شود . در سال ۱۳۳۰ که او با مبارزه به گیرانه کارگران بعنوان نماینده شورای کارگران انتخاب شده بود کارگران دخانیات بار دیگر دست به اعتصاب زدند و تقاضای ۱۵۰ ریال اضافه دستمزد داشتند . وثوق مدیر کل دخانیات در مقابل این خواست به حق کارگران مقاومت می کرد . می خواست تنها ۱۰ ریال اضافه دستمزد به کارگران بدهد . در این هنگام با تحریک پلیس و عملش بر سر اینکه ۱۰ ریال اضافه دستمزد موافقت بشود یانه ، میان کارگران اختلاف افتاد و بالاخره کارگران ۱۰ ریال اضافه دستمزد را قبول نکردند و کار به بقیه در صفحه ۱۱

کارگران را رشد دهد . در زمانی که کارگری بنام تقی اقبالی نماینده اتحادیه شده بود سرانجام کارگران پس از مبارزات زیادی که با کارفرما داشتند بسیاری تشکل و اتحاد خود توانستند حقوقشان را در دو مرحله افزایش دهند . بطوریکه حقوق کارگری که ۱۷ ریال بود به ۵۵ ریال در روز رسید . این پیروزی به اعتبار شورای متحده افزود . پس از پیروزی قوام السلطنه بر نیروهای فرقه دمکرات آذربایجان و قتل عام مردم زحمتکشان آن دیار اکثر نمایندگان کارگران و فعالین سندیکا نیز دستگیر شدند . اتحادیه منحل شد و بعضی از کارگران راه قصد کشت و زدن و زندانی و تبعید کردند . پس از انحلال اتحادیه وابسته به شورای متحده سندیکایی با رهبری مهندس شریف امامی ( نخست وزیر خائن قبل از انقلاب ) با کمک عباس میرزایی ( وکیل چندین دوره مجلس شورا ) و عده ای دیگر در شرکت دخانیات تشکیل شد و اتحادیه قبلی تنها به شکل مخفی به حیات خود ادامه می داد . او اما پس از کودتای ۲۸ مرداد

تشکیل اتحادیه فئودالها برای سرکوب بیشتر دهقانان

بسیار خانواده هایی که توسط این فئودالها از خانه و زادگاه خود آواره گردیده اند . چه بسیار جنایات و تجاوزاتی که توسط این فئودالهای ظالم در حق زحمتکشان روستا انجام گرفته است . اغلب این فئودالهای جنایتکار تادیب طرفدار شاه خائن و ساواک و حزب رستاخیز بوده اند . بیرونده بعضی از آنها در زمینه جعل اسکناس ، سابقه قتل ، توطئه برای ربودن معلمان ، جاسوسی برای ساواک و بیرون راندن روستائیان از دهات هم اکنون موجود است . در این شرایط تشکیل شوراهای دهقانی برای کشاورزان و خوش نشینان روستاها و زحمتکشان ایلات و عشایر در مقابل دسیسه های فئودالها امری بسیار ضروری است . و در این راه لازمست روستائیان و ایلات و عشایر دست به دست هم بدهند و با پشتیبانی از هم و با انتخاب نمایندگان راستین و وفادار بخود ، اتحادیه ها و شوراهای حقیقی خود را تشکیل دهند و بدینوسیله از منافع و حقوق خود دفاع کنند . طبق اطلاعات محدودی که ما بدست آورده ایم به ذکر پاره ای از تجاوزات و جنایات اربابان و زمینداران بزرگ وابسته به امپریالیزم در این منطقه می پردازیم . عده ای که در بالا نام بردیم فقط تعداد بسیار محدودی از متجاوزین را تشکیل می دهند که در اطراف ارومیه و کردستان به غصب و غارت اموال و افراد مشغولند . می دانیم که با خطر موقعیت خاص مسئله تاریخی کردستان در این مناطق حتی همان اصلاحات ارضی فرمایشی هم انجام نشده بود تا مالکان و زمینداران بزرگ بتوانند با قدرت تمام پشتوانه ی محکمی برای پیاپی کردن نقشه های توطئه امپریالیستهای در این منطقه حساس باشند اکنون نیز ما شاهد اجرای نقشه های جدیدی از طرف وابستگان امپریالیزم امریکا هستیم . از فئودالها در منطقه گرفته تا مزدورانی نظیر قیاده موقت ، بارزانی ، پالیزیان ، اویسی و ... که در زیر مابه ذکر چند نمونه از این تجاوزات مالکین اشاره می کنیم : ۱- ده استرآباد . ارباب ده حنازه است و غارت ده نیز بدستور حاجی سامی

تشکیل اتحادیه فئودالها برای سرکوب بیشتر دهقانان

اخیرا از طرف دفتر هواداران سازمان در سندنج اعلامیه ای منتشر شده که خبر از توطئه ای جدید می دهد و آن تشکیل اتحادیه فئودالها و اربابان غارتگر در کردستان و ارومیه است . مادرزیر بخشی از این اعلامیه را منتشر می کنیم . در ماهها و هفته های اخیر برترحمس منقظه از جمله فئودالهای بزرگ وروسیا و عشایر ، برای حفظ موقعیت و منافع خود دست به تلاشهای رسا دی زده اند . مثلا در اواسط فروردین ماه اسامال فئودالهای مرتجع منقظه "سارال دیواندره" در روستای "گومه ای" جلساتی ترتیب دادند و تصمیم گرفتند که در همه مواقع پشتیبان یکدیگر باشند و از منافع نارنگرانه همدیگر دفاع کنند . آنها برای رسیدن به این هدف خود تصمیم گرفتند با تشکیل به اصطلاح "اتحادیه ایلات و عشایر کشاورزی کردستان" تحتای غارتگرانه و ضد مردمی خود را مخفی نگه دارند . به این ترتیب برای افتتاح دفتر اتحادیه ارتجاعی خود در سقز اعلامیه هایی در روزهای دوم و سوم اردیبهشت ماه پخش کردند . امام مردم آگاه و مبارز سقز که هدفهای سوء و ضد مردمی فئودالها را می دانستند با ابراه انداختن نظا هرات بر علیه گشایش دفتر اتحادیه ضد کشاورزان فئودالهای مرتجع ، اعتراض خود را بیان کردند و مانع از این کار شدند . فئودالها و روسای عشایر که بر اثر مبارزه مردم سقز نتوانستند دفتر اتحادیه خود را در آنجا بزنند به سندنج آمدند و در تاریخ ۲۸/۵۸۸ها آقای مفتی - زاده جلسه ای ترتیب دادند که چگونگی آن هنوز روشن نیست . اخیرا بنیان گذاران اتحادیه به اصطلاح "ایلات و عشایر کشاورزان کردستان" در اعلامیه ای که صادر کرده اند خود را طرفدار زحمتکشان و خوش نشینان نشان داده اند . افرادی مانند عبدالله خان مرادی ، بداله خان مرادی ، یحیی خان امینی عباس خان مظفری ، مجیدخان کلهر حس آقا جوانمردی ، شیخ محمد سعید و دیگر فئودالهای مرتجع که اتحادیه مذکور را به وجود آورده اند ، به هیچ وجه نمی توانند طرفدار زحمتکشان باشند . چه بسیار زمینهای روستائیان که توسط این فئودالها غصب شده است . چه

کلیه بدهی ها و تعهدات مالی کارگران ، دهقانان و زحمتکشان به بانکها و مؤسسات دولتی باید لغو شود

# درباره حزب طبقه کارگر

(۷)

اقتصاد سیاسی

## «تبدیل پول به سرمایه»

(۲)

داشته و کاری کرده باشد به مقدار پول خود می افزاید. پولی که در حرکت خود اس گردش را توصیف می کند، تبدیل به سرمایه می شود (ک. مارکس. سرمایه ص ۱۶۲) در این فرمول (پول - کالا - پول بیشتر) که فرمول عمومی سرمایه نامیده می شود پول مثبت یا پول بیشتر عبارتست از مبلغ پول بدلی که در پایان معامله افزایش یافته است. یعنی همان چیزی که سرمایه دار از گردش در آوردن پولش می خواهد بدست بیاورد. مثال: ۶۰۰ کیلو روغن راه قیمت ۷۰۰ تومان خرید و آنرا به ۷۰۰ تومان می فروشم. در این صورت مبادله چنین خواهد شد:

پول ۶۰۰ تومان  
کالا ۲ کیلو روغن ۷۰۰ تومان

که در حقیقت ماوی می شود یا ۶۰۰ تومان پول اولیه و ۱۰۰ تومان پول بیشتر.

افزایش پول در پایان مبادله (پول - کالا - پول) حد و مرز ندارد. هر چقدر این مبلغ بیشتر باشد همانقدر برای صاحب رضایت بخش تر خواهد بود در صورتیکه در مبادله (کالا - پول - کالا) ارزش مصرفی کالا و ارزشی سازهای انسانی از نظر کیفی و کمی محدود است.

حال بنیم مبلغ اضافه شده در پایان معامله از کجا می آید؟

گفتیم که هنگام مبادله کالا اس ارزش مبادله کالا است که مورد معامله قرار می گیرد. عبارت دیگر هر کالا است که مورد مبادله قرار می گیرد دارای مقدار کار متوسط اجتماعی لازم است که در هنگام مبادله با کالای دیگر همان مقدار

"کار متوسط اجتماعی لازم" را داراست معامله می شود. پس اگر کالا ها اس ارزش مبادله ای برابر مبادله می شوند این پول بیشتر یعنی پولی که همان ارزش است، از کجا بدست می آید؟

فرض کنید قیمت یک جفت کفش که تهیه آن چهار ساعت کاری برود ۱۰۰۰ ریال است و قیمت ده متر پارچه که همان چهار ساعت کاری همان مقدار کار اجتماعی لازم را احتیاج دارد، ۱۰۰۰ ریال. حال در مبادله کالای یک جفت کفش را با ۱۰۰۰ ریال تعویض می کردیم سینه ۱۰۰۰ ریال را می دادیم و ده متر پارچه می خریدیم.

هر چقدر این معامله را تکمیل کنیم چیز بیشتری نصیبمان نمی شود. یعنی ده متر پارچه را هم که دوباره بدیم همان یک جفت کفش را می گیریم.

بنابراین چطور می شود که در انتهای مبادله (پول - کالا - پول) پول بیشتری بدست می آید؟

اگر مثلا کار متوسط اجتماعی لازم را در دو جفت کفش برابر کار متوسط اجتماعی لازم در یک سندلی باشد، دو طرف معامله هنگام مبادله، ارزش کمتری یا بیشتری بدست نخواهند آورد. با وقتی ارزشهای برابر و مقول مارکس "مبادله معادل" انجام پذیرفت امکان خرید کالا منظور فروش گرانتر هرگز ممکن نخواهد بود. اما همه کس می داند که سرمایه دار همیشه در عمل مبادله که انجام می دهد، در پایان گردش (پول - کالا - پول) مبلغی بیشتر از آنچه اول وارد معامله کرده کسب می کند.

سرمایه داران و همچنین مدافعین این خود سرمایه است که ارزش بیشتری تولید می کنند سرمایه داران حق دارند مثلا ده درصد گرانتر از آنچه که خریدند بفروشند. سرمایه داران این ده درصد را بقول خودشان "منفعت" یا "سود" می نامند و حق قانونی خود می دانند. در صورتیکه این همان "ارزش اضافه" است. یعنی همان شمه کار کارگران که آنها می دزدند.

ممکن است گفته شود که عده ای از صاحبان کالا و نه تمام آنان خواهند توانست کالاهای خود را گرانتر از ارزش واقعی آنها بفروشند. اما این چنین کاری بقیه در صفحه ۱۱

قبل از پرداختن به مسئله ارزش اضافی لازم است رابطه پول و کالا را مورد بررسی بیشتری قرار دهیم. همانطور که قبلا گفتیم مبادله کالاها ابتدا بصورت مستقیم صورت می گرفت. یعنی (کالا - کالا) مثلا دو جفت کفش با یک کیسه گندم مبادله می شد. بعد از پیدایش پول این مبادله بصورت (کالا - پول - کالا) تکامل یافت. و همچنین دیدیم که اگر رابطه (کالا - پول - کالا) بعد از (کالا - پول) قطع شود در این صورت فروشنده کالا بعد از فروش کالایش پول در دست دارد که با آن می تواند کالای مورد نیازش را خریداری نماید. اما پولی که در دست دارد می تواند برابر ارزش پولش کالا را با کالاهای خرید کند. عبارت دیگر پول به مثابه وسیله گردش است. بنابراین با ذخیره کردن پول یعنی انداختن ارزش هرگز نمی توان ارزش بیشتری تولید کرد.

از طرف دیگر گفتیم که ذخیره کردن پول یا عبارت دیگر تصاحب ارزش در خارج از حرکت خرید و فروش انجام می گیرد. پس در خارج از حرکت مبادله امکان اینکه از پول، پول بیشتری بدست آید وجود ندارد و باید آن را در درون خود جریان مبادله جستجو کرد.

هنگامیکه فروشنده کالا را با پول مبادله می کند بدین معناست که کالای تولید شده برای او ارزش مصرفی ندارد و مبادله با پول بدین منظور صورت می گیرد که آن (پول) کالای که ارزش مصرفی معینی دارد، خریداری نماید. مثلا نجار یک صندلی را می فروشد و ۱۰۰۰ ریال دریافت می کند تا با آن ۲ کیلو برنج یک کیلو روغن، یک کیلو نخود و لوبیای و یک کارد آشپزخانه خریداری کند. بدین ترتیب می بینیم که در ابتدا و انتهای رابطه (کالا - پول - کالا) ارزشهای مصرفی قرار دارند.

حالا اگر کسی با پولی که ذخیره کرده است کالای خریداری نماید که بعد از آنرا به فروش رساند (پول - کالا) و سپس (کالا - پول) رابطه زیر بدست می آید: پول - کالا - پول. بطوریکه ملاحظه می کنیم در رابطه اخیر ابتدا و انتهای پول قرار دارد که نه کالای است با ارزش مصرفی و نه ارزشی در پایان مبادله به آن افزوده شده است. مثال:

شخصی ۱۰۰ کیلو گندم می خرد به قیمت ۱۲۰ تومان و بعد همان گندم را به قیمت ۱۲۰ تومان می فروشد (پول - کالا - پول) ملاحظه می کنیم که در ابتدا و انتهای مبادله پول قرار داشته است و همچنین مقدار گندمی که مبادله شده ثابت مانده است.

از مقایسه گردش (کالا - پول - کالا) و (پول - کالا - پول) نتیجه می شود که این دو رابطه دو نقطه مشترک دارند:

۱- هر دو از خرید و فروش تشکیل می شوند.  
۲- در مبادله کالا - پول و همچنین پول - کالا ارزشهای برابر مبادله می گردند.  
اما در این رابطه دو تفاوت هم وجود دارد:

۱- در گردش (کالا - پول - کالا) در ابتدا و انتهای آن ارزشهای مصرفی قرار دارند و به همین دلیل هدف مبادله کالاهای مصرفی مورد نیاز انسان است.  
۲- در گردش (پول - کالا - پول) در ابتدا و انتهای آن پول وجود دارد و هدف از معامله نه تنها ارزشهای مصرفی نبوده بلکه برعکس خود ارزش مبادله است.

از مطالب بالا این نتیجه حاصل می شود که در رابطه (پول - کالا - پول) هدف بدست آوردن ارزش مبادله است. بنابراین شخصی که در ابتدا مبلغ معینی پول دارد و وارد معامله می شود اگر در پایان معامله نیز همان مقدار پول را بدست آورد، کاری بی معنی کرده است. پس هدف گردش پول - کالا - پول، کسب پول بیشتری در پایان این گردش است. عبارت دیگر هدف (پول - کالا - پول) نبوده بلکه (پول - کالا - پول بیشتر) خواهد بود. ساده تر بگویم سرمایه دار از این راه بدون اینکه در تولید شرکت

است بر اساس خواست های صنعتی - سیاسی هر قشری تشکیل می شود و وسیع ترین توده های قشر را در خود متشکل می کند و زمینه ارتقاء آگاهی سیاسی اعضا خود را هر چه بیشتر به وجود می آورد.

شرکت مارکسیست - لنینیست ها

### ● مستقل بودن تشکیلات سیاسی طبقه کارگر جنبش توده ای را تقویت میکند و به پیش میراند

در این قبیل تشکیلات ها سازماندهی آنها و بالا بردن سطح خواستهای صنعتی - سیاسی آنان امری است ضروری و این عمل زمینه را برای جلب اعتماد اقشار زحمتکش ایجاد می کند و راه پدید بر رهبری طبقه کارگر و حزب پیشاهنگش را برای توده های وسیع زحمتکش هموار خواهد کرد.

در جریان عمل ورهبری عملی مبارزات توده های زحمتکش توسط حزب طبقه کارگر است که رهبری طبقه کارگر بر جنبش عمومی ستکشان تأمین خواهد شد. البته این امر بمعنی مخدوش کردن خط و مرزهای طبقاتی و درهم آمیختن تشکیلات مستقل کارگران و سازمان سیاسی سنقل وی با سایر اقشار زحمتکش نیست و همواره مارکسیست - لنینیست ها بر تشکیلات مستقل طبقه کارگر و حزب (با سازمان) مستقل سیاسی آن تأکید دارند و همیشه این گفته لنین را سرلوحه فعالیت های خود قرار می دهند که کمیونیتها باید تشکیلات مستقل خود را داشته باشند و همین مستقل بودن تشکیلات آنان جنبش توده ای را تقویت می کند و پیش می راند. بنابراین مارکسیست -

ساخت طبقاتی شان دارای منافع طبقاتی یکسانی نیستند. طبقه کارگر را یک دیوار چین از سایر طبقات جدا نکرده است. بسیاری از کارگران از ده به شهر آمده اند و حتی برخی از آنها، خانواده هایشان هنوز در ده زندگی می کنند و بسیاری از کسان و خویشان آنها در ده هستند. این

### ● طبقه کارگر پیشروترین و انقلابی ترین طبقه است ولی تنها نیروی انقلابی در جامعه نیست

کارگران همبستگی بسیار زیادی با روستائیان دارند و با بسیاری از کارگران با زحمتکشان شهری و اصناف و غیره پیوندهای نزدیکی دارند. توسط همین کارگرانی که پیشرو آگاه باشند نه تنها

### ● طبقه کارگر پیشروترین و انقلابی ترین طبقه است ولی تنها نیروی انقلابی در جامعه نیست

آگاهی سوسیالیستی را میتوان بمیان کارگران برد، بلکه همچنین می توان با اشاعه آگاهی سیاسی در میان سایر زحمتکشان آنها را به طرفداری از دموکراسی واقعی (دموکراسی پرولتاریائی) و حتی سوسیالیزم کشاند و بدینوسیله نفوذ طبقه کارگر و حزب پیشاهنگ آن را در میان وسیعترین توده های زحمتکش شهر و ده بسط و توسعه داد. می توان اعتماد آنها را به طبقه کارگر و حزب آن جلب کرد تا بدین طریق رهبری طبقه کارگر در جنبش توده ای تأمین شود. این ساله مهمی است که نه تنها در فعالیت تبلیغی و ترویجی ما، بلکه در فعالیت های عملی ما باید مورد توجه قرار بگیرد و بسته به توان و انرژی و موقعیت های مختلف بایستی

### ● تنها حرف زدن درباره پیشرو بودن طبقه کارگر کافی نیست اینرا در عمل نیز باید به سایر زحمتکشان نشان داد

لنینیست ها ضمن اینکه در تشکیلاتی که در برگیرنده توده های وسیع زحمتکش باشد شرکت می کنند، تشکیلات مستقل خویش را نیز حفظ می کنند.

سازماندهی و متشکل کردن سایر زحمتکشان وظایفی است که نباید در آن اهمال کرد. اما امروز متأسفانه برخی نیروها (کنفرانس چی ها) به این اصل اساسی لنینیسم توجهی ندارند و هیچ تلاش و کوششی در جهت متشکل کردن مبارزات سایر زحمتکشان بکار نمی برند و وظیفه مارکسیست - لنینیست ها را تنها به کار در بین طبقه کارگر محدود می کنند و این

### ● رهبران توده های وسیع و متشکل نکردن مبارزاتشان بمعنی رها کردن آنها در زیر بال بورژوازی است

چنان سازمانهای توده ای ایجاد شود که بتواند وسیع ترین توده های زحمتکش را در خود متشکل کند و پراکندگی در صفوف آنان را به مبارزه متشکل آنان بر علیه تسلط و فشارهای امپریالیزم و سرمایه های وابسته تبدیل کند. این قبیل سازمانها، شوراهای دهقانی، اتحادیه های دهقانی، شوراهای مختلف، شوراهای اتحادیه های مختلف، شوراهای مختلف، اتحادیه ها و شوراهای ملین، کانون های مختلف، اتحادیه ها و شوراهای اقشار مختلف زحمتکشان و نظائر آنهاست که بسته به موقعیت مشخص و شرایط معین باید ایجاد شود. این سازمانها که در برگیرنده توده های وسیع

در شماره های گذشته درباره تشکیلاتی توده ای کارگران صحبت کردیم و گفتیم که متشکل کردن کارگران تنها با ایجاد حزب طبقه کارگر ممکن نیست و در کنار حزب و در پیوند با آن سازمانهایی که در برگیرنده توده های وسیع کارگران باشد، باید ایجاد شود.

در این شماره می خواهیم درباره سازمانها و تشکیلاتی هائی که توده های وسیع غیر کارگر را متشکل می کنند صحبت بکنیم.

طبقه کارگر پیشروترین و انقلابی ترین طبقه است. ولی تنها نیروی انقلابی در جامعه نیست. میلیونها توده زحمتکش که همه تحت تسلط امپریالیسم و بورژوازی وابسته قرار

### ● طبقه کارگر پیشروترین و انقلابی ترین طبقه است ولی تنها نیروی انقلابی در جامعه نیست

دارند، به همراه طبقه کارگر در انقلاب دمکراتیک شرکت خواهند کرد. این نیروی عظیم، متحد طبقه کارگر در انقلاب است. حزب طبقه کارگر اگر نتواند این نیروی عظیم را متحد و متشکل سازد و رهبری کند، انقلاب به پیروزی نخواهد رسد. طبقه کارگر به تنهایی نمی تواند انقلاب کند، نیروی اوبه تنهایی کافی نیست و مجبور است برای پیروزی انقلاب با سایر اقشار تحت تسلط متحد شود. از اینرو مارکسیست - لنینیست ها گرچه اساسا نیروی خود را در جهت متشکل کردن و آگاهانه نمودن مبارزات طبقاتی کارگران قرار می دهند ولی در مبارزات سایر زحمتکشان نیز شرکت می کنند و برای متشکل کردن مبارزات آنان می کوشند. لنی درباره فعالیت در میان سایر اقشار و طبقات زحمتکش می نویسد:

"آپا برای فعالیت در میان تمام طبقات مردم، زمین وجود دارد؟"

و جواب می دهد: "کسیکه این را نمی بیند، در اینجا بازم سطح آگاهی از جنبش خود بخودی توده ها عقب است." و ادامه می دهد:

### ● رها کردن توده های وسیع و متشکل نکردن مبارزاتشان بمعنی رها کردن آنها در زیر بال بورژوازی است

"لازم به تذکر نیست که تمام توده چندین میلیونی دهقانان زحمتکش پیشه وران، صنعتگران خرده پا و غیره نیز همیشه با ذوق و شوق به تبلیغات یک نفر سوسیال دمکرات کم و بیش ماهر، گوشت خواهند داد."

همه اقشار و طبقات زحمتکش خلق، تحت تسلط و استثمار امپریالیزم و بورژوازی وابسته قرار دارند، اگرچه ممکن است به اشکال متفاوتی استثمار شوند. آنها همه در نابودی سیستم سرمایه داری وابسته و قطع نفوذ امپریالیزم دارای منافعی مشترک و خواست مشترکی هستند. هر چند بنا به موقعیت اقتصادی - اجتماعی و

# بدون مجلس مؤسسان حقوق مردم ایران پایمال میشود

مجلس موسسان به حصرنوشته‌ی دچار شده است؟ مجلسی که هدفش ایرانی می‌خواهد نتیجه جنش خونین خلق رادرقانونی که در آن به تصویب می‌رسد، منعکس بیند. بنابراین شکل مجلس موسسان یک حادثه بزرگ در زندگی مردم ماست و با وجود اهمیت جنس مجلسی در سرنوشت مردم ما، هیچکس نمی‌داند که چه بر سر مجلس موسسان خواهد آمد و مقامات مسئول در قبال آن چه می‌گویند؟

## • قول قطعی

از مدت‌ها قبل از پیروزی قیام شکوهمند مردم، همسته و فسی صحبت از تدوین قانون اساسی جدید می‌شد هیچ‌کس شک نداشت که تهیه و تنظیم آن فقط در صلاحیت یک مجلس موسسان است. مجلسی که نمایندگان منتخب مردم را از هر شهروهر ناحیه و از میان اصناف و طبقات مختلف گرد آورده و در محیطی دمکراتیک این سد مهم را مورد بررسی کامل و موسکافانه قرار دهد و قانون اساسی مرفی و انقلابی ای که با محتوی و مضمون انقلاب ضدامبرالسنی و ضد دیکتاتوری مردم ایران هماهنگی داشته باشد تنظیم و تصویب کند.

پس از قیام هم بارها و بارها توسط مقامات مختلف این امر تصریح شد. در تاریخ ۱۶ اردیبهشت اسیران تنظیم سخنگوی دولت در مصاحبه مطبوعاتی چنین گفت:

"باید یاد آور شویم که آنچه تهیه شده و منتشر خواهد شد تنها بیس نویسی قانون اساسی ماست و هنگامی اعتبار سدا می‌کنند که از سوی نمایندگان مردم در مجلس موسسان بررسی و تکمیل و تصویب شود... مردم باید سعی کنند نمایندگان واقعی خود را به مجلس موسسان بفرستند تا خواسته‌هایشان در این قانون اساسی مورد نظر قرار گیرد."  
(پیغام امروز ۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۸)

مهندس سحابی معاون نخست وزیر در طرحهای انقلاب نیز در مصاحبه مطبوعاتی که در تلویزیون در برابر ۳۵ میلیون نفر بعمل آورد صراحتاً اظهار داشت که پیش نویسی قانون اساسی پس از آنکه از طرف دولت تنظیم شد ابتدائاً در مطبوعات منتشر می‌شود که مردم و اهمل فن نظر خودشان را بدهند. پس از آن دولت مجدداً با توجه به نظرات مردم تغییراتی در آن خواهد داد و سپس این طرح در مجلس موسسانی که منتخب مردم خواهد بود مورد بررسی قرار خواهد گرفت و سپس به تصویب نمایندگان مجلس موسسان خواهد رسید. مهندس سحابی در مورد مجلس موسسان بطور روشن اظهار داشت:

قانون مجلس موسسان مستعمل بر ۶۰ ماده توسط دولت تنظیم شده و به

شورای انقلاب داده شده که پس از تصویب، انتخابات بر طبق آن انجام شود.

با این بیان روشن سخنگویان دولت دیگر هیچکس شکی نداشت که قانون اساسی در مجلس موسسان که ایجاد کننده قانون مادر است مورد بررسی قرار گرفته و به تصویب خواهد رسید. چه بسا که طرح پیشنهادی دولت تماماً رد شود و طرح بهتری به تصویب نمایندگان مردم برسد. زیرا این نمایندگان مجلس موسسان هستند که باید قانون اساسی را تدوین کنند. اما هنوز مدتی از این مصاحبه‌ها و اعلام نظر دولت نگذشته است که سخن دیگری شنیده می‌شود. دکتر مفتاح و نطب زاده رسماً اعلام می‌کنند که مجلس موسسان تشکیل نخواهد شد و تنها به تشکیل جلسه مشورتی اکتفا خواهد شد و سپس متنی که به اینصورت تنظیم شد به فرمانده گذاشته خواهد شد. یعنی باز مردم را در مقابل آری یا نه قرار خواهند داد و از آری قالی مردم ناگاه سو استفاده خواهند کرد. اکنون مردم حق دارند از مقامات مسئول سؤال کنند پس این همه حرف که درباره مجلس موسسان زده شد، کجارت؟ مصاحبه‌های امیر - انتظام و مهندس سحابی یعنی نمایندگان دولت چه بوده است؟ مگر اینها از طرف هیئت وزراء این حرفها را زده اند؟ سخنگوی دولت چه معنی دارد؟ قانون مردم از خود می‌پرند آخر این مملکت دارد به کجای رود؟

## • تصمیمات ناگهانی

آقای مهندس سحابی و امیرانتظام چگونه می‌توانید توی روی مردم نگاه کنید؟ شاید بگوئید مایه تقصیریم. در اینصورت چه کسی مقصر است؟ چرا حقایق را برای مردم روشن نمی‌کنید؟ باور کنید که تاکنون در کشور ما هیچ دولتی این اندازه بی اختیار نبوده است. حتی اکنون هم که این موضوع را اعلام می‌کنید هیچکس مردم توضیح نداده است که چرا مجلس موسسان تشکیل نمی‌شود. بگردیم از اینکه آقای قطب زاده این "مجلس مشورتی" را یک ابتکار انقلابی؟! نامیده‌اند! سؤال می‌شود اگر تشکیل یک مجلس مشورتی برای تدوین قانون اساسی کافی بود پس چرا قانون بر سرای مجلس موسسان تنظیم گردید؟

اما مجلس مشورتی! این مجلس مشورتی چه صیغه ایست؟ این مشاورین را چه کسی انتخاب می‌کند؟ اینطور که رسماً گفته شده مردم آنها را انتخاب نخواهند کرد. پس این اشخاصی که مشاورین را انتخاب خواهند کرد چه کسانی هستند؟ همایش ابهام. همه اش بی خبر گذاشتن مردم و ناگهان تصمیمی را اعلام کردن و مردم را در مقابل عمل انجام شده قرار دادن. آنها در مورد مسئله ای به

بقیه از صفحه ۱۲

متن می‌گوید: "افراد ملت اعم از زن و مرد از لحاظ آزادی و حیثیت و حقوق اجتماعی مشروع، در برابر قانون مساوی هستند. برای مردم این سؤال مطرح است که منظور از واژه مبهم "مشروع" چیست؟ آیا مفهوم عام آن یعنی "قانونی" مورد نظر است یا مفهوم خاص آن یعنی "شرعی"؟ اگر منظور از کلمه "مشروع"

لفظ "قانونی" باشد این اصل را چنین باید خواند: "افراد ملت ایران اعم از زن و مرد از لحاظ آزادی و حیثیت و حقوق اجتماعی "قانونی" در مقابل قانون مساوی هستند." بروشنی پیداست که کلمه قانونی در این اصل زائد است پس بدون شک نویسند "متن پیشنهادی" از آوردن کلمه "مشروع" مفهوم "شرعی" آن را در نظر داشته است. اگر کلمه مشروع در اصل وجود نمی‌داشت برای اصل ایرانی و ارد نبود. تردیدی نیست که قوانین باید صریح و خالی از ابهام باشند تا مردم بتوانند موقعیت خود را در قبال آن ارزیابی کنند. ولی می‌بینیم که وارد شدن یک واژه ناچهار در یک اصل درست، چه ابهاماتی ایجاد کرده و در نتیجه اشکالات فراوانی برای مردم بوجود خواهد آورد.

## قانون اساسی باید حافظ دستاوردهای انقلاب باشد (۲)

اصل هشتم متمم قانون اساسی سابق که در ۲۵ سال پیش بوجود آمد اصل "کامل" مترقی و بر اصل "متن پیشنهادی" کاملاً برتری دارد. این اصل اعلام می‌دارد: "اهالی مملکت ایران در مقابل قانون دولتی مساوی الحقوق خواهند بود."

اصل ۳ قانون اساسی جمهوری فدرال آلمان اعلام می‌کند: "همه افراد در مقابل قانون برابرند."

۲- مردان و زنان حقوق مساوی دارند. ۳- هیچکس را بخاطر جنس، پدر و مادر، نژاد، زبان، محل اصلی تولد، ایمان یا عقاید مذهبی و سیاسی نمی‌توان مورد رفتار نابرابر قرار داد.

قانون اساسی کشور مسلمان الجزایر نیز در موارد مختلف، تساوی حقوق افراد خلق صرف نظر از جنس، نژاد، مذهب، حرفه و عقیده سیاسی - را محترم می‌شمارد و هیچ شرطی جز تابعیت الجزایر را ملاک نمی‌داند. از جمله در اصل ۳۹ قانون مزبور آمده است که: "کلیه شهروندان (یعنی اتباع الجزایر) از نظر حقوق و تکالیف، مساوی اند."

و با اصل ۴ که اعلام می‌کند: "قانون چه در حمایت، چه در ایجاد تکلیف و چه در مجازات برای همگان یکسان است." بنظر مادر قانون اساسی جدید برای اینکه مردم ایران بطور واقعی دارای حقوق سیاسی و اجتماعی مساوی باشند، باید تصریح شود که مردم ایران اعم از زن و مرد از لحاظ آزادی و حیثیت و حقوق اجتماعی در برابر قانون مساوی هستند.

## احتمال سانسور و خفقان

برخلاف ادعای اصل ۳۰ متن پیشنهادی قانون اساسی "آزادی واقعی مطبوعات و نشر و بیان عقیده وجود ندارد. اصل ۳۰ می‌گوید: "مطبوعات و نشر و بیان عقیده جزء در مواردی که خلاف عفت عمومی و اخلاق اسلامی و خلاف احکام واضح اسلام و هجو و اهانت به اشخاص و نشر اکاذیب و کتب ضلال باشد آزاد و ممیزی در آنها ممنوع است..." اصل بیستم قانون اساسی سابق که یک سوم شرط و شروط و محدودیت‌های این اصل را نداشت آن همه سانسور و خفقان و سرکوب برای "مطبوعات و نشر و بیان عقیده" بوجود آورد که همه شاهدش بودیم و الا با این همه شرط و اصل ۳۰، کدام مقاله روزنامه، کدام کتاب و کدام ابراز عقیده هست که نتوانند آن را به یک از این شروط نسبت دهند. در واقع اگر کسی بخواند از این ماده سو استفاده کند

قادر است روی هر مقاله هر کتاب و هر اسرار عقیده انگشت بگذارد و با نیست دادن آنها به یکی از این شروط آنها را ممنوع می‌سازد و ممیزی قرار دهد. بنابراین ملاحظه می‌شود که اجرای چنین اصلی همچنان شرایطی را به وجود خواهد آورد که سانسور و خفقان و سرکوبی سراسر و حشمتاک، تز از دوران آریامهری ایجاد شود.

## ابهام رایگان بودن آموزش

برخلاف ادعای اصل ۱۰ "طرح پیشنهادی" که از آموزش و پرورش رایگان و همگانی نام می‌برد "تخصیصات ابتدائی" را بعنوان یک "فریضه" تلقی می‌کند، ابهامات و نقائص این ماده علاً طبقه اطمینان بخشی بر ای آموزش مجانی و همگانی ارائه نداده است. ماده ۳۰ طرح پیشنهادی "چنین می‌گوید:

"همه مردم حق دارند از آموزش و پرورش رایگان و همگانی بهره‌مند شوند... تخصیصات ابتدائی فریضه است و دولت وظیفه دارد اسائل اجرائی این تکلیف ملی را در سراسر کشور فراهم آورد."

این ماده از لحاظ اینکه آموزش و پرورش تاجه سطحی رایگان و همگانی است سهم است و در مورد تخصیصات

## قانون اساسی باید حافظ دستاوردهای انقلاب باشد (۲)

حرفه‌ای که در دوران ما از اهمیت خاصی برخوردار است سکوت کرده است. در مورد تخصیصات اجباری ناکافی است و از لحاظ برخورد به نحوه اداره آموزش و پرورش نامشخص است. بنابراین در قانون اساسی جدید در اینباره لازم است نکات زیر رعایت شود:

۱- باید تصریح شود که آموزش و پرورش از کودگستان تا دانشگاه رایگان و همگانی است.

۲- دولت باید مراقبت کند که حق مساوی دسترسی به تعلیم و تربیت در سراسر کشور و آموزشهای حرفه‌ای برای همگان تامین شود.

۳- تحصیلات پایه‌ای تا پایان دوره راهنمایی برای همگان در شهر و روستا، اجباری است. دولت مکلف است امکانات دسترسی همگان را به آن، بطریق مختلف و با توجه به شرایط مکانی و اقلیمی بر طبق قوانین مناسب، فراهم کند.

## مجوز تجاوز به حقوق انسانی

برخلاف اصل ۴۲ "متن پیشنهادی" که یکی از بهترین اصول آنست، تصریح شده است که به این ماده اضافه شده است علاحقی را که این اصل تضمین کرده یعنی کسب و اشکالات جدیدی پدید آورده است. اصل ۴۲ تصریح می‌کند: "اعمال شکنجه بدنی یا روانی مطلقاً و هر عنوان و لوبعضاً مجازات با وسیله بازجویی و ارباع، ممنوع است. اجبار اشخاص به شهادت دادن یا اقرار یا ادای سوگند در هیچ صورت مجاز نیست و اعتبار ندارد. مجازات تخلف از این اصل را قانون معین می‌کند."

تصرف "قصاص و حدود شرعی" از این ماده خارج است. متن اصلی ماده فوق بسیار خوب و کامل است ولی در مورد تصریح آن باید گفت که این تصریح بطور مشخص مفایر است نوبن تکامل اجتماعی - فرهنگی و انسانی انقلاب دمکراتیک مردم ماست. که قانون اساسی باید بسانگرن باشد. از لحاظ عملی نیز این تصریح مجوز خطرناکی برای سوءاستفاده و تجاوز بحقوق انسانی است. در شماره آینده به ذکر مواردی خواهیم پرداخت که با توجه به مضمون ضد امپریالیستی، ضد سرمایه داری وابسته و ضد دیکتاتوری انقلاب ایران و با توجه به نقش قاطع زحمتکشان در پیروزی این انقلاب می‌بایست در قانون اساسی جدید ایران ذکر شود ولی در "متن پیشنهادی" به فراموشی سپرده شده است.



# آقای فروهر به هزینه زندگی نگاه کنید

نشریه محترم کار طبق قانون مطبوعات (تعجب ندارد وقتی می گویند طبق قانون کار، من چرا نگویم قانون مطبوعات) آنرا بدون سانسور چاپ کنید .

سوال از جناب آقای فروهر روزی محترم کس آیا پایه حقوق کارگر ساده بر مبنای هزینه زندگی محاسبه شده است ؟

آقای فروهر ! از اول بهمن ماه سال ۵۷ بیکار شدم . اهمیت ندادم ، زیرا امیدوار بودم . زیرا موظف بودم به ترک کار و اعتصاب به نفع انقلاب طبقه مظلوم . زیرا حسی می کردم تنها اسلحه ای که در دست دارم این است که کار نکنم تا خود ضربه ای هر چند ناچیز بر سرگان زنجیری و خون آلود آسمان امپریالیسم در ایران باشد . بارها وسط خیابانها لاستیک آتش زدم ، بارها با هجوم ارتش ضد خلقی زخمی هارا کول کردم . بارها با مشت های گره کرده از جلوی تانکها ، زره پوشها ، کلانتری ها شعار دادم ( مرگ بر شاه ) ( درود بر خمینی ) و ( درود بر فدائی ، سلام بر مجاهد ) و هزاران شعار دیگر که حتی بعضی وقتها خودم معنی آنها را هم نمی دانستم ولی می دانستم به نفع انقلاب است و با صدای راستکاری می کردم .

در جریان بیکاری ، بی پولی فشار آورد فرشم را فروختم . باز فشار آورد ، تلویزیون را هم فروختم و بازم فشار آورد و دیگر چیزی نداشتم که بفروشم . و این هم حداقل هزینه زندگی ماهیانه من وزم .

# شرایط مشقت بار زندگی يك کارگر ساده

این نامه یک کارگر بر سابقه صنعت نفت ایران است . نامه ای که حکایت از درد و رنج کارگری دارد که تازه نسبت به سایر کارگران ایران از وضعیت بهتری هم برخوردار است .

پس می بینیم که در واقع فقط درد خودش نیست ، مصیبتی است که تمام کارگران و زحمتکشان جامعه ما با آن روبرو هستند و گوئی همچنان باید با این مصیبت ها روبرو باشند . شرایط نامناسب کار همراه با وضعیت اسفناک درمانی و بهداشتی کارخانه ها ، زندگی همه آنها و خانواده هایشان را در معرض خطر قرار داده است . در رژیم گذشته که دیکتاتوری اجازه نمی داد حتی نامی هم از حقوق طبقه کارگر به میان بیاورد . حال هم که بقول معروف انقلاب شده است می بینیم دولت نه تنها طرحی برای بهبود وضعیت زندگی و بهداشت کارگران ندارد ، بلکه هرگونه اعتراض حق طلبانه آنها را اخلاک گری تلقی کرده و به اتهام ضد انقلابی بودن مهر تنگفیر بر پیشانی نشان می زند .

خواهش می کنم صدای حق طلبانه یک کارگر خسته از بار کمر شکن این دنیای رنج کار را بگوش مردم شرافتمند ایران برسانید . باشد که توجه مسئولین امر را برانگیزد و چنین سرنوشت تلخی هرگز در آینده برای هموطنانم تکرار نشود .

اینجانب حسین کاظمی جهرمی ۳۷ سالست که بعنوان یک کارگر ساده با شماره ۱۱۹۵۵۴ در قسمت حمل و نقل پالایشگاه کاری کنم . کار طاقت فرسا در گرمای کشنده آبادان و هوای مسموم پالایشگاه همراه با تحمل شبکاری و شرایط نامساعد کار باعث شده که پنج سال پیش دچار فلج ناقص شوم و سپس به رعشه مبتلا گردم و تقریباً توانائی کار را از دست بدهم . با وجود این نه مراد رستی معالجه کردند و نه از ادامه کار معاف کردند . چنانکه همین الان هم مجبورم با تنگی علییل برای تامین زندگی خود و عائله ام کار کنم . شرایط مشقت بار زندگی ام سرزده برای افرادی مثل اینجانب مقدر کرده است که پشت سر هم طعم تلخ و گزنده بدبختی را مزه کنند . چندی پیش دخترم دوازده ساله ام ششپنجه در شدید پدیدار شد ، مادرش به مدت چهار ماه مرتباً به پزشکان درمانگاه فرج آباد آبادان ( درمانگاه شرکت نفت ) مراجعه می کرد و هر بار جواب می شنید که " درد مهمی نیست ، ناراحتی موقت است . برو خودش خوب می شود " و بعد با پنج قرض مسکن و یک لوله پمپاوردت به مسکن می کردند . لیکن روز بروز حال بچه ام

بدتر می شد و نگرانی ما زیادتر . نا اینکه اینجانب یک روز مرخصی گرفته به درمانگاه مراجعه کردم و تقاضای عکسبرداری از پای بچه ام را نمودم . آقای دکتر درمانگاه گفت " مگر پای بچه شکسته است کسه عکسبرداری کنیم . " باز هم دفع الوقت کردند تا اینکه کار به استخوان رسید و در بیمارستان سروصدارها انداختم . پس از اینکه مجبور شدند از پای فرزندم عکس برداری کنند با یک اظهار ناسف خشک و خالی گفتند که خطر مهلکی بچه ات را تهدید می کند و باید فوراً به تهران منتقل شود . تازه در تهران بود که به من گفتند دیر آمدی . علت پادرد بچه ات سرطان است و خطر مرگ اورا تهدید می کند . آنگاه با داور کردند که با این امکانات کاری از ما ساخته نیست .

مگر نه اینکه رئیس محترم شرکت نفت فرموده اند ایران با درآمد نفتی هنگفتش کشور فقیری نیست . بنابراین آبسزا و آرنیست که شرکت نفت فرزند یک کارگر را برای معالجه به خارج بفرستد ؟ مگر ما کارگران شرکت نفت نبودیم که با اعتصاب بات خود شاهرگ حیاتی رژیم منفور پهلوی را قطع کردیم ؟ بهر حال باز هم همان جوابهای سریالی کذائی دست به سرم کردند . چاره ای نداشتم جز اینکه خدمت آقای نژاد بروم و وعده دل خود را برای ایشان بازگشایم . پس از یک هفته وقت گرفتن مرا خدمت ایشان راه ندادند و بجای ایشان هیئت مدیره گفتند که " به هیچوجه نمی شود بچه ترا

اجاره خانه یک اتاق ۳x۴ در کوچه ربه های میدان غار ماهیانه	۵۰۰۰
نان ( فوت لایموت )	۵۰۰
قند و چای	۶۰۰
ماست و پنیر	۵۰۰
گوشت یک کیلو برای همراه	۳۵۰
برنج دو کیلو برای همراه	۱۵۰
روغن سه کیلو برای همراه	۲۱۰
سبزی خوردن ( آخر خورشت نمی خوریم )	۳۰۰
میوه	خدا شهادت نمی خوریم
شیرینی	همینطور
بدهکاری فروش تلویزیون که با ضرر فروخته ام و قسطی	
باید پرداخت کنم ماهیانه تا ۱۸ ماه	۴۵۰۰
در ضمن ۶ ماه آن پرداخت شده	
لباس سالیانه دونفر ( ۲۰۰۰ ریال )	۱۰۰۰
تایید و صابون	۱۵۰
حمام خودم و همسر هر هفته یک مرتبه ( خودم ۴۰ ریال ، عیال ۵۰ ریال )	۴۰۰
مریضی خودم و همسر ( روزی یک تومان )	۳۰۰
مهمان ناخوانده اگر بپایند	۳۰۰
کفش سالیانه دونفری ( ۳۰۰۰ ریال )	۲۵۰
سلمانی	نمی روم زرم سرم راقیچی می کند
آرایش زرم	استغفرالله
استهلاک وسایل منزل	۳۰۰
نفت	۳۰۰
پالاکسیم خود دراز کردم ( مطبوعات )	۴۵۰
آب و برق ( اگر بر خلاف وعده ها پول آب و برق را بگیرند )	۴۰۰
مخارج ایاب و ذهاب	۱۰۰۰
جمع	۱۶۹۶۰ ریال
ما به التفاوت فرض و بدهکاری	
حالا آقای وزیر کار این است هزینه زندگی من و خدا را شکر کنید که ۴ تا بچه نداشتم و گر نه بجای سبیل شاخ در می آوردید از لیست هزینه زندگی من - کارگر ساده - کریم	
با درود فراوان ، کارگر ساده - کریم	

## سخنی با دوستانی که ...

جناب آقای مهندس بازرگان نخست وزیر محترم جمهوری اسلامی ایران رونوشت : جناب آقای داریوش فروهر وزیر محترم کار و امور اجتماعی احتراماً - اینجانب علی مسعود ساکن شهرستان سقز کردستان مدت ۱۳ ماه از تاریخ ۵۶/۲/۱ لغایت ۵۷/۳/۱ بعنوان خدمتگزار و سرایدار در اداره کار و امور اجتماعی شهرستان سقز استخدام شدم . در این مدت شاهد بودم که اغلب اوقات من باید صرف خربند مشروبات الکلی و لوازم خانه جهت رئیس اداره شود و چون بیکار به این موضوع اعتراض کردم رئیس اداره بالگرد و مشقت من را از اداره کار بیرون و حکم اخراج را صادر کرد . در این هنگام مبارزات رهایی بخش ملت ایران علیه نظام زوروروتزویر گسترش یافت و من فعالانه در این مبارزات شرکت کردم و مدتی هم از سوی ساواک بازداشت شدم اما غمی به خود راه نمی دادم زیرا چنان می پنداشتم با سقوط طاغوت ، عدالت واقعی اجرا خواهد شد . اینک از آن موقع تا کنون به تمام مقامات شکایت کرده ام اما گوئی چیزی تغییر نکرده است زیرا قانون پیمان و مقررات همان است که بود و نتوان اقدام انقلابی در اعدام خلاصه شده است لذا بنده نیز تقاضا دارم دستور فرمائید با من رابه کار خودم برگردانند تا از بیکاری رهائی یابم و با بعنوان مفسد فی الارض بنده رابه

در خانه ای از طرف یکی از اهالی صحنه ( در حومه کرمانشاه ) بدست ما رسد که نویسنده آن یک محصل کلاس دوم تجربی است . بخاطر طرح مشکلات کشاورزی از طرف نویسنده و از زور آن بخش هایی از نامه را چاپ می کنیم . نویسنده نامه ابتدا با نام خدا مطلب خود را شروع می کند و پس از صحبت های زیاد نسبت به سازمان چنین ادامه می دهد . . . آنچه می خواستم برای شما بگویم این است که ما یک مالک داریم به اسم سید محمد ملک که بقول خودش " سید " است . در زمان طاغوت پدران ما را شکنجه دادند و آنها را سزاها حلقوی آفتاب نگهداشتند و در سبک زندان انداختند و شکنجه های زیادی شدند . عاقبت تسلیم شدند و آقای ملک با کمک زاندار میری زمین هارا به ۳ قسمت تقسیم کرد که بدون مکانیزه کردن قسمتی از آن ۲ قسمت خودش برد و یک قسمت را به ما آبدی به اسمهای مالیر سفلی - یکدانی چقا جانعلی داد . ما اکنون که به کمک شما همه برادران ما را به پیروزی رسیدیم ناریگر زمینهای خود را شخم زدیم و کشت سپاره انداختیم . او چند بار شکایت کرد که حتی چند بار روحانی نماها به دهات ما آمدند و می گفتند که شما ناباد روی این زمینها که مال خودتان نیست کشاورزی کنید و همچنین می گفتند اسلام به کسی اجازه نمی دهد که مال دیگری را تصرف کند در صورتیکه اینها همه اشتباه می کردند چند هفته قبل بود که یک روحانی نما با چند مرد مسلح از طرف کمیته صحنه به دهات ما آمدند و تراکتورها را بیرون آوردند و می خواستند جو گوئیم را که ما کشت کرده بودیم شخم کنند ولیکن مردمان ما این اجازه را به آنها ندادند . آنها اقدام به تیراندازی کردند و به خیال خودشان می خواستند زحمتکشان ما را بترسانند که شعاری دادند باید زمینها همه مال ما باشد باید همه زمینها را از ما بگیرد و به مالک بدهد و بگذارد ما از گرسنگی بمیریم . در حدود روز پنجم اردیبهشت حکمی از طرف کمیته برای ما آمد که باید کل سه زمینها را به ۳ قسمت تقسیم کرد . یک قسمت به ما ۲ قسمت به مالک داد و وقتی مردم فهمیدند که این برای آنها عادلانه نیست قبول نکردند و نخواهند کرد .

## نامه ای از یک روستائی

جناب آقای مهندس بازرگان نخست وزیر محترم جمهوری اسلامی ایران رونوشت : جناب آقای داریوش فروهر وزیر محترم کار و امور اجتماعی احتراماً - اینجانب علی مسعود ساکن شهرستان سقز کردستان مدت ۱۳ ماه از تاریخ ۵۶/۲/۱ لغایت ۵۷/۳/۱ بعنوان خدمتگزار و سرایدار در اداره کار و امور اجتماعی شهرستان سقز استخدام شدم . در این مدت شاهد بودم که اغلب اوقات من باید صرف خربند مشروبات الکلی و لوازم خانه جهت رئیس اداره شود و چون بیکار به این موضوع اعتراض کردم رئیس اداره بالگرد و مشقت من را از اداره کار بیرون و حکم اخراج را صادر کرد . در این هنگام مبارزات رهایی بخش ملت ایران علیه نظام زوروروتزویر گسترش یافت و من فعالانه در این مبارزات شرکت کردم و مدتی هم از سوی ساواک بازداشت شدم اما غمی به خود راه نمی دادم زیرا چنان می پنداشتم با سقوط طاغوت ، عدالت واقعی اجرا خواهد شد . اینک از آن موقع تا کنون به تمام مقامات شکایت کرده ام اما گوئی چیزی تغییر نکرده است زیرا قانون پیمان و مقررات همان است که بود و نتوان اقدام انقلابی در اعدام خلاصه شده است لذا بنده نیز تقاضا دارم دستور فرمائید با من رابه کار خودم برگردانند تا از بیکاری رهائی یابم و با بعنوان مفسد فی الارض بنده رابه

## تاریخچه جنبش کارگری جهان

# سرکوب جنبش کارگری در فرانسه و کودتای لوئی بناپارت

قیام ماه ژوئن ۱۸۴۸ میلادی (۱۲۲۷ شمسی) کارگران پاریس با سرکوبی خشن دولت بورژوازی درهم شکسته شد. قصابهای ژنرال کاوانیباک آخرین سنگرهای پاریس را به توپ بستند و خاک یکسان کردند. ژنرال کاوانیباک کسی بود که سفاکیهای او نسبت به ملت‌هایی که مستعمره فرانسه بودند مشهور بود. او پس از درهم شکستن پیکارهای مردم الحزب اعتباری بیدار کرده بود و اکنون برای سرکوبی کارگران فرانسه اختیار فوق العاده بدست آورده بود. پس از در هم شکستن سنگرهای کارگران حصد ۵۰۰ کارگر در روی سنگفرش خیابانهای حاشی در ماند. بورژوازی پس از بازافتن قدرت بورش و حشانه اش را آغاز کرد و بیست و دو برابر آن تعدادی که در خیابانها کشته بود، یعنی یازده هزار نفر کارگران را قتل عام کرد.

ریاست جمهوری لوئی بناپارت، طبقه کارگر وفادارترین مدافع دموکراسی و پیشرفت اجتماعی بود و شکست این طبقه در ماه ژوئن ۱۸۴۸ راه را برای موج تازه ای از ارتجاع باز کرد. موقعی که انتخابات ریاست جمهوری فرانسه فرا رسید، بازگشت این موج ارتجاعی کاملاً احساس می شد. یکی از دهه‌ها نامزد ریاست جمهوری شاهزاده لوئی ناپلئون بناپارت بود. این شخص برادرزاده ناپلئون اول و فردی خوشگذران و عیاش بود.

اوگاه به صفوف سازمانهای زیرزمینی انتالیانهای پیوست و در کارهای بی اهمیت شرکت می کرد و گاه به گروه اوپاشان لندن می پیوست. وقتی پس از انقلاب ۱۸۴۸ مانع های حاش طلبانه اش در جستجوی ثروت به فرانسه آمد و تصمیم گرفت از نامش استفاده کند. هیچ کس از گذشته بی ساسی او خبر نداشت و کارهایش را جدی نمی گرفت. اما همین موجود غریب‌سای و "برادرزاده کوچک ناپلئون بزرگ" در انتخابات ریاست جمهوری بیشترین رای را بدست آورد و رئیس جمهور فرانسه شد.

درواقع نام برابیت او یعنی "لوئی بناپارت" که خاطره پیروزیهای نظامی و حکومت پادشاهی را در اذهان زنده می کرد باعث شد که بورژوازی بزرگ و قشرهای مرفه دهقانان و خرده بورژوازی شهرها آزار خود را به او بدهند. کودتای دوم دسامبر ۱۸۵۱ میلادی (۱۲۳۰ شمسی)

انتخاب لوئی بناپارت به مقام ریاست جمهوری دوم فرانسه، از همان آغاز نشانه‌های سقوط جمهوری و ایجاد حکومت مطلقه سلطنتی را در برداشت.

لوئی بناپارت از همه فرصتهایی که مقام ریاست جمهوری در اختیارش گذاشته بود استفاده کرد که جمهوری را از فرانسه براندازد. او در دوم دسامبر ۱۸۵۱ میلادی (۱۲۳۰ شمسی) با کمک ارتش تمام قدرت را بدست گرفت و حکومت مطلقه را برقرار کرد. گروههای کوچک جمهوریخواهان می گویند در پاریس و دیگر شهرهای فرانسه دست به مقاومت بزنند اما اقداماتشان با سرکوبی شدید درهم کوبیده شد. طبقه کارگر فرانسه پس از کشتار دسته جمعی ماه ژوئن دیگر در وضعی نبود که بتواند سلاح بردارد و به مقاومت برخیزد. دیگر نیروئی که بتواند جمهوری را نجات دهد باقی نمانده بود. یکسال بعد از کودتا یعنی در دسامبر ۱۸۵۲ جمهوری عملاً برچیده شد. مجدداً رژیم سلطنتی در فرانسه روی کار آمد و لوئی ناپلئون بناپارت با عنوان ناپلئون سوم



جنگ خیابانی در حومه پاریس (سنت آنتوین) هنگام قیام ماه ژوئن ۱۸۴۷

## اعتصاب کارگران تورینگتون در شمال غربی آمریکا برای اضافه دستمزد

در حدود ۱۳۵۰ کارگر تولیدی شرکت تورینگتون برای اضافه دستمزد دست به اعتصاب زدند. شرکت تورینگتون که سوزن و بولبری تولید می کند یکی از بزرگترین شرکتهای شمال غربی آمریکاست. کارگران این کارخانه در حال حاضر بطور متوسط ۶/۴۸ دلار (۴۸۵ ریال) در هر ساعت دریافت می کنند ولی بعلت تورم و بالا بودن قیمت ها این دستمزد کفاف زندگی آنها را نمی کند. لذا آنها تقاضای اضافه دستمزدی معادل بیش از ده



## پیروزی باد انقلاب ضد امپریالیستی و دموکراتیک خلق عمان

همه این عوامل دست به دست هم داده و موقعیت نیروهای خلق را در مقابل ضد خلق به نحو چشمگیری تغییر داده است.

اخیراً هیئت نمایندگی جبهه خلق برای آزادی عمان برای دیدار از ایران و اعلام همبستگی خلق عمان با خلق ایران و مذاکره با دولت موقت و رهبران ایران سه سپه ماسفر کرد. در این سفر هیئت نمایندگی جبهه خلق برای آزادی عمان یک خلبان ایرانی را که به اسارت جبهه خلق در آمده بود تسلیم دولت ایران کرد. مقامات ایرانی قول داده اند که از جنبش خلق عمان به رهبری جبهه خلق برای آزادی عمان پشتیبانی کنند. جنبش انقلابی خلق ایران در تمام طول مبارزات عمان پیوسته همبستگی مبارزاتی خود را با خلق عمان نشان داده است. این همبستگی هنگامی تشدید شد که یازده هزار نفر از قوای شاه خائن دست به کشتار خلق دلاور عمان زدند. از جمله این همبستگی ها عملیات نظامی بود که به هنگام سفر سلطان قابوس خائن به ایران توسط سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران در تهران به مرحله اجرا گذاشته شد. علاوه بر آن جنبش انقلابی ایران همراه با پشتیبانی همنوی از طریق کمکهای مادی بسیاری بصورت پول و دارو که توسط دانشجویان ایرانی در خارج از کشور جمع آوری می شد به سهم خود به مبارزات خلق عمان کمک رساند. سازمانهای انقلابی ملحق ایران نیز با شرکت مستقیم در مبارزات آزادیبخش خلق عمان وظیفه انترناسیونالیستی (بین المللی) خود را به انجام رساندند. در ضمن این نبردهای شجاعانه در جبهه عمان بود که چنگ تن از مبارزان ایرانی به شهادت رسیدند و خون سرخشان با خون خواهران و برادران

نهم ژوئن (۱۹ خرداد) مصادف است با آغاز پانزدهمین سال انقلاب آزادیبخش عمان.

خلق قهرمان عمان طی چهارده سال گذشته با نبردهای دلاورانه علیه رژیمهای دست نشانده عمان، استعمارگران انگلیسی و تجاوزگران ارتش شاه واردین و ... تجربیات بس ارزنده ای اندوخته است. جبهه خلق برای آزادی عمان (P.O.F.L.O) که رهبری انقلاب عمان را بعهده دارد با بهره مندی از تجربیات شکستناپذیر پیروزیها اکنون برای آغاز یک حرکت نوین در مبارزه علیه دولت دست نشانده سلطان قابوس و امپریالیستهای حامی اش در موقعیت بسیار مناسبی قرار دارد. سرنوشتی رژیم فاشیستی شاه، این ژاندارم خلیج فارس، رژیم دست نشانده سلطان قابوس را در وضع بسیار بدی قرار داده است. هر چند بدستور امپریالیسم آمریکا، برای پرکردن خلاء خروج نیروهای ایران از عمان، هفت هزار قوای مصری به عمان اعزام شده است و هنوز تعدادی قوای اردنی در این سرزمین هستند و لوی توان قوا بطور کلی بضرر نیروهای قابوس تغییر کرده است. اکنون شرایط اقتصادی و اجتماعی در عمان بصورتی است که اکثریت عظیم مردم در مقابل رژیم قرار گرفته اند. اثرات رفمهایی که سلطان قابوس در اوّل دهه ۵۰ (۲۰ میلادی) برای فریب توده هادر عمان شروع کرد از بین رفته و اکنون بحران اقتصادی و اجتماعی روز بروز چهره خود را آشکارتر نشان می دهد.

از طرف دیگر جبهه خلق برای آزادی عمان با جمع بندی اشتباهات و برررسی شکستها و پیروزیهای گذشته به یک سازماندهی نوین دست زده و بیش از هر زمان دیگر برای مبارزه ای سخت و طولانی با رژیم قابوس و امپریالیسم آمادگی دارد.

بقیه در صفحه ۱۱

### اعزام ۱۰۰ هزار تفنگدار امریکائی به خلیج فارس برای چیست؟

حبرگزاری آسوشیتد پرس چند روز پیش از قول سناتور زوزف میدن امریکائی گزارش داد که " دولت جیمی کارتر یک نیروی ضربتی ۱۰۰ هزار نفری بمنظور حراست از منافع امریکا در ماوراء بحار بخصوص در خلیج فارس ایجاد خواهد کرد " همین خبرگزاری به نقل از یک مقام وزارت خارجه امریکا اضافه می کند " وجود چنین نیروی در بسیاری از موارد ضروری است و قوت قلبی است برای کشورهای که مورد تهدید قرار می گیرند "

افشای طرح فوق بیکار دیگر بخوبی ماهیت تجاوز کارانه امپریالیسم امریکا را نشان می دهد . این مسئله روشن می سازد که امریکا به این سادگی حاضر به از دست دادن منافع عظیم خود در ایران نیست . هم اکنون منافع سرمایه داران امریکائی نه تنها در ایران بلکه در سراسر منطقه از سوی جنبش های انقلابی تهدید می شود . دولت های مرتجع و سگ های زنجیری امریکا در خاور میانه ( نظیر رژیم عربستان سعودی ) سخت به هراس افتاده اند و خواهان تضمین های قوی تری از سوی امریکا هستند تا به سر نوشت شاه مخلوع دچار نگردند .

تلاشهای جیمی کارتر برای حفظ منافع انحصارات امریکائی در خلیج فارس و اقیانوس هند پس از سقوط رژیم شاه ابعاد وسیعتری پیدا کرده است . امپریالیسم امریکا در داخل ایران توسط عمال خود به توطئه چینی مشغول است تا جاسو رشد انقلاب را سد کند و در موقع مناسب ضربه اصلی خود را بر جنبش خلق ایران وارد سازد . امریکا با اعزام این نیروی ضربتی ۱۰۰ هزار نفره و طرحهای مشابه تلاش می کند تا از طریق ایجاد رعب در سازندگان و نیروهای متزلزل داخلی ، انقلاب را مهار سازد . اما خلقهای قهرمان ایران همانند رزمندگان ویتنام بخوبی ماهیت جنایتکار امپریالیسم امریکائی شناسند ، در مقابل جوشی با این دشمن تجاوزگر همان راهی را انتخاب می کنند که خلق رزمنده ویتنام رفت . ما ایمان داریم که امپریالیسم امریکا هرگز نمی تواند با چنین مانورهای در داخل خلق ما و آنها که در صف خلق قرار دارند وحشتی ایجاد کند . خلق ما به اعتبار رزمندگی خود و حمایت خلقهای جهان تا نابودی سلطه امپریالیسم و برقراری حاکمیت مطلق خوبی ، همواره آماده است تا با حماسه ای از آتش و خون پوزه امپریالیسم تجاوزگر امریکا را بخاک بمالد و ویتنام دیگری برپا سازد .

### کارگران مبارز صنعت نفت را بازداشت کردند

حملات وسیع دولت برای سرکوبی کارگران ابعاد تازه ای یافته است . این حملات در وهله اول متوجه کارگرانی است که از حقوق و منافع طبقه کارگر دفاع می کنند و مورد اعتماد و اطمینان کارگران هستند .

در پی بازداشت ۱۷ نفر از کارگران کارخانه نورد اهواز اطلاع یافتیم که دو نفر از کارگران مبارز صنعت نفت که در رهبری اعتصابات فلج کننده بر علیه رژیم منغور شاه فعالیت چشم گیری داشتند ، بازداشت شده اند .

دولت اکنون برای سرکوبی کارگران به همان شیوه هائی متوسل شده است که رژیم دیکتاتوری سرنگون شده بر علیه کارگران بکار می برد . اینست سهم کارگرانی که اعتصابات آنها کمترین رادرم شکست .

### بازداشت کارگران عضو شورای کارخانه نورد اهواز

تعداد ۱۷ نفر از کارگران کارخانه نورد اهواز که اکثر آنها عضو شورای کارگری کارخانه و نماینده منتخب کارگران میباشند توسط دولت بازداشت شده اند . نحوه بازداشت کارگران بشکلی کاملاً پیشرمانه صورت گرفت . بطوریکه در روز سه شنبه اول خرداد ماه افرادی که مسلح به مسلسل بودند بمنازل مسکونی کارگران یورش بردند و آنها را بازداشت کردند ، این اقدامات ، درست در زمانی صورت میگیرد که دولت بخشناه ضد کارگری خود را خطاب به کارگران انتشار داد .

خانواده های کارگران که بمنظور اطلاع از علت دستگیری سرپرستان خانواده های خود در استانداری اجتماع کرده بودند ، جواب مشخصی دریافت نکردند . آنچه که با آنها گفته شده است اینست که دولت صلاح دیده است که کارگران را بعد از دو ماه از کارخانه دور نگهدارند و او به زندان بفرستد . کار دولتی که دفاع از منافع سرمایه داران وابسته را برعهده گرفته است با نجا کشیده است که خودسرانه کارگران را بازداشت میکند و بسرکوبی آنها میپردازد .

### تحصن کارگران آرمه و آرمه تسلا با موفقیت پایان یافت

تحصن حق طلبانه کارگران اخراجی شرکت آرمه تسلا و آرمه ، شرکتی وابسته با موفقیت پایان پذیرفت . این خواسته عیارت بوداز :  
۱- دریافت ۵۰٪ حقوق از زمان اخراج تاکنون .  
۲- بازگشت حداقل ۷۵٪ کارگران اخراجی به کار .  
۳- دریافت تمام مزایا از قبیل حق مسکن - حق اولاد و حق خواروبسار .

### معرفی يك کارگر...

خشونت کشید . به مدت شش شبانه روز عده ای از کارگران در دخانیات متحصن شدند . کم کم تعداد آنها تقلیل یافت و به ۱۷۵ نفر رسید .

سرانجام پلیس با اسلحه به طرف کارگران یورش برد و اعتصاب کارگران درهم شکسته شد . قبل از آن دکتر مصدق نخست وزیر وقت تقی باقری را به حضور خود خواسته و از او پرسیده بود که چرا کارگران اعتصاب کرده اند . تقی باقری در جواب گفته بود که عقشان را می خواهند . پس از سرکوب این اعتصاب و تحمسن پلیس به ۶ نفر از فعالترین کارگران را دستگیر کرد و به زندان انداخت . در این هنگام بود که تقی باقری در جزیره خارک زندانی شد . این کارگر مبارز پس از آزادی از زندان به فریب تبعید شد و در سال ۱۳۳۶ شرکت دخانیات باقری را به کارمند تبدیل کرد به این امید که بتواند او را از مبارزات کارگری دور نگهدارد .

تقی باقری ، کارگر مبارزی که سراسر زندگیش را وقف خدمت به طبقه خود کرد . زندگی شخصیت در یک اطابق محقر با یک زیلو و یک دست رختخواب و یک کتابخانه خلاصه می شد . او هرگز با کارفرما سازش نکرد و تا آخر عمر خلیج زحمتکش و طبقه کارگر وفادار ماند . او سرانجام در سال ۱۳۵۴ درگذشت و بدین ترتیب طبقه کارگر ایران یکبسی از فرزندان راستین خود را از دست داد . یادش گرامی باد

### درباره حزب...

طبقه کارگر کافی نیست ، بلکه اینراد عمل نیز باید به سایر زحمتکشان نشان داد و تنها در اینصورت است که آنها رهبری طبقه کارگر را خواهند پذیرفت . لنسین در این باره می نویسد :

" خود را " پیشاهنگ " و دسته پیشرو نامیدن کم است . باید عمل هم طوری باشد که همه دسته های دیگر ببینند و ناگزیر معترف شوند که ما پیشاپیش دیگران می رویم . . . آیا ممکن است نمایندگان سایر " دسته ها " چنان احمق باشند که " پیش آهنگ " بودن ما را در حرف باور کنند " ؟ و در جای دیگر تاکید می کند :

می توانیم از کارگرانی که مایلند گفته های یکفکر سوسیال دمکرات را بشنوند جلساتی تشکیل دهیم . ما همچنین باید بتوانیم از نمایندگان همه و هرگونه طبقات مردم ، همبفکر که مایل به شنیدن گفته های یکفکر دمکرات باشند جلساتی تشکیل دهیم . زیرا کسی که در عمل

### کنگره سراسری...

افلیتهای مذهبی و قومی برای تعیین خط مشی سیاسی و اقتصادی حکومت تشکیل شود .

کنگره در همین بهام مداخله سنای امریکا را در امور داخلی ایران بشدت محکوم کرده در پایان ابراز تمایل کرده است که هر سال در زادروز دکتر مصدق اجتماع بزرگ حقوقدانان بمنظور پاسداری از حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی تشکیل شود .

### پیروز باد...

بقیماز صفحه ۱۰  
عمانی در هم آمیخت . از جمله ایس شهید رفقا فرهاد سپهری و خسرو اردبیلی از سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و رفعت افراز از سازمان مجاهدین خلق ایران بودند .  
افتخار بر آنها .  
مادر آستانه یازدهمین سالگرد انقلاب عمان بهترین شادابنهایی خود را تقدیم خلق قهرمان عمان و سازمان رزمنده شان " جنبه خلق برای آزادی عمان " می کنیم و پیروزی آنان را در سرنگونی رژیم دست نشانده سلطان قابوس و در راه ایجاد عمانی آزاد ، آباد و شکوفان آرزو مندیم .

ما به همین مناسبت و برای آگاهی بیشتر خوانندگان از شماره آینده به بررسی مختصری از اوضاع اقتصادی اجتماعی عمان و تاریخچه مبارزاتی این خلق مبارز مبادرت خواهیم کرد .

### تبدیل پول...

بقیماز صفحه ۷  
نیر چیزی حر کلاهدر داری نخواهد بود . پس کلاهدر داری نیز در معاملات نمی تواند منشا " اضافه ارزش " باشد . مثال : اگر دو جفت کفش که ارزشی برابر ۱۵۰ تومان دارند با یکدست لباسی که ارزش آن ۲۰۰ تومان است مبادله شوند ، فروشنده کفش توانسته است ۵۰ تومان سرفروشنده لباس کلاه گذارد . ولی مجموع هر دو کالا ارزشی برابر :  
۲۰۰ + ۱۵۰ = ۳۵۰  
تومان دارند و نمی توانند با کالایی که بیش از ۳۵۰ تومان ارزش دارد معامله شوند . بنابراین کلاهدر داری زود منقض می شود و نمی تواند برای همیشه و بطور طبیعی ادامه بیداند . در این حال فقط شکل تقسیم و توزیع آن فری کرده است . همچنین فردی که در باخوار است نیز نمی تواند از طریق مبادله بول مایولی بیشتر " اضافه ارزش " خلق نماید . او فقط ارزش موجود را از جنب شخصی دیگر بیرون آورده و به حساب خودش زینخته است . بنابراین چنین شیخی نمی گمیم که " نه مبادله ارزشهای برابر و نه مبادله ارزشهای نامتساوی ، اضافه ارزشی ایجاد نمی کند پس اضافه ارزش از مبادله و گردش سرچشمه نمی گمید " (جلد یک سرمایه ص ۲۳)

هنوز سؤال مورد نظر ما بدون پاسخ مانده است . بالاخره این پول بیشتر از کجای می آید ؟ اگر مبادله ارزشهای مساوی و مبادله ارزشهای نامتساوی منشا " اضافه ارزش " نیستند و اگر اضافه ارزش از مبادله و گردش کالا سرچشمه نمی گمید پس باید آراد درون خود جریان مبادله جستن جو کرد . برای اینکه در پایان جریان گردش ( پول - کالا - پول ) ارزش بیش از آغاز آن یعنی ( پول - کالا - پول ) بیشتر بدست آید باید صاحب پول در بازار کالایی خریداری نماید که اضافه ارزش ایجاد کند . بعبارت دیگر وقتی که این کالا مصرف شد ، تولید اضافه ارزش نماید . پس باید کالایی وجود داشته باشد که مصرف آن ارزش تولید کند و این ارزش بیشتر از ارزشی باشد که برای پول پرداخت گردیده است . این کالای استثنائی چیست ؟ این کدام کالایی است که مصرف آن ارزش تولید می کند ؟

این کالای " ارزش زای و بی مزه " نیروی کار انسانی است . " نیروی کار با دارائی کار " عبارست از مجموع توان فکری و جسمی انسان که برای تولید کالا مصرف می شود .

وقتی که نیروی کار توسط کارگر فروخته می شود و در جریان مورد استفاده کارفرما قرار می گیرد صاحب پول و کالا تولید کننده ساده به سرمایه دار تبدیل می گردد .

در شماره آینده چگونه تبدیل نیروی کار انسان به کالا را مورد بررسی قرار داده و سپس به مسئله ارزش اضافی خواهیم پرداخت .

### گزارشی از تحصن کارمندان شرکت مخابرات

حدوده ۵۰۰ تن از اعضای شرکت تعاونی مسکن مخابرات از روز شنبه ۵۸/۲/۲۹ دست به تحصن زده اند . محل تحصن در اتاق وزیر در شرکت بی سیم می باشد . شعارهای بزرگی در سردریه چشم می خورد که بعضی از آنها از این قبیلند :

ما ضد انقلاب نیستیم  
پس از سه سال پول خود را می خواهیم از ما پشتیبانی کنید .  
پس از سه سال برای دریافت ۵۰۰۰ تومان برای سومین بار در دفتر وزیر متحصن شده ایم " .  
" ما اعضای شرکت تعاونی مسکن از تاریخ ۵۸/۲/۲۹ تا دریافت ۵۰۰۰ تومان خود متحصن هستیم " .  
وزیر مخابرات بنابه اظهار یکی از متحصنین خود را پنهان کرده است و هنوز نتوانسته اند با او مذاکره کنند . یکی می گفت :

" سه سال پیش از هر کدام ما ۵۰۰۰ تومان برای ساختن خانه گرفته اند ولی هنوز از خانه خبری نیست . به همین دلیل ما برای سومین بار متحصن شده ایم " .  
یکی از متحصنین می گفت :

" مادر نامه ای خواسته های خود را نوشته و به وزیر دادیم ولی به ما جواب سر بالا دادند . تحصن ما تا گرفتن حقمان ادامه خواهد داشت . ما خواستار همبستگی همه کارکنان مخابرات هستیم . یک خانم متحصن می گفت :

### دو هزار کارگر گروه صنعتی بهشهر به کارفرما ده روز مهلت دادند

تحصن بیش از ۵۰۰ کارگر کلیه کارگاههای وابسته به گروه صنعتی بهشهر که از پنجم خرداد شروع شده بود ، سه شنبه ۸ خرداد با اعلام یک مهلت ۱۰ روزه برای رسیدگی به خواسته های شان پایان یافت .

نمایندگان دو هزار نفر از کارگران کارگاههای صنعتی بهشهر در شهرهای زوقول ، خرم آباد ، اصفهان ، همدان ، شیراز ، زنجان و سرخس که از ماه پیش تاکنون حقوق نگرفتند طی هفته گذشته در دفتر گروه صنعتی بهشهر در خیابان فخر آباد دست به تحصن زدند . عصر دوشنبه نماینده وزارت کار ضمن شرکت در جلسه کارگران درباره مشکلاتی که سهامداران اصلی گروه صنعتی بهشهر (سیرادران لاجوردی ، خادم ، رحمانی کیا) با آن

### دو هزار کارگر گروه صنعتی بهشهر به کارفرما ده روز مهلت دادند

روبرو هستند توضیح داد و از کارگران خواست که با گرفتن نغری ۱۰۰۰ تومان مهلتی ۱۰ روزه به کارفرما بدهند تا مدیران شرکت بتوانند به خواسته های آنها رسیدگی کنند .

کارگران نیز با قبول این مهلت پذیرفتند که به شهرهایشان بازگردند و اعلام کردند که در صورت عدم رسیدگی به خواسته های شان مجددا دست به تحصن خواهند زد .

دو هزار کارگر گروه صنعتی بهشهر راهبشتر کارگران فنی ، تاسیسات و کارهای ساختمانی تشکیل می دهند که گروهی قراردادی و گروهی استخدام رسمی می باشند . حداقل حقوق کارگران در این کارگاهها ۳۵ تومان در روز است و در بین آنها تعدادی کارگر نوجوان نیز وجود دارد .

# همه مستشاران خارجی باید اخراج گردند

# قانون اساسی باید حافظ دستاوردهای انقلاب باشد

در شماره قبل درباره قانون اساسی و مضمون و محتوای انقلاب و اینکه قانون اساسی جدید ایران باید حافظ دستاوردهای انقلاب ضد امپریالیستی و ضد سرمایه داری وابسته و دموکراتیک خلقهای ایران باشد، سخن گفتیم. در این شماره و شماره بعد به حقوق و آزادیهای مردم ایران که باید در قانون اساسی منعکس شود می پردازیم.

فصل حقوق اساسی و دموکراتیک مردم، از مهمترین فصولی است که حداقل یک قانون اساسی مترقی را از یک قانون اساسی ارتجاعی مشخص می کند. کیست که مفهوم آزادی را بشناسد و در هر قانون اساسی، بلافاصله به فصل "حقوق ملت" بعنوان محک تحقق یا عدم تحقق این خواست طبیعی خود، مراجعه نکند؟

متاسفانه "متن پیشنهادی قانون اساسی" منتشره در کیهان در زمینه "حقوق ملت ایران" قادر نیست که پاسخ لازم را به این خواست بدهد، زیرا تا بلات انحصار طلبانه، تنگ نظرانه و سلطه جویانه ای که در این "متن پیشنهادی" تبلور یافته، سبب شده است که مردم ایران عملاً از جهت حقوق سیاسی و اجتماعی از آزادی کامل و مساوی برخوردار نباشند.

قتل از اینکه بعنوان نمونه، نظری گذرا به چند اصل از فصل "حقوق ملت ایران" ببیند، لازم است یاد آوری کنیم که در این فصل چند اصل خوب نیز وجود دارد که با بارهای تغییرات جزئی می تواند در قانون اساسی جدید حقایق خود را داشته باشد. این اصول عبارتند از: اصول ۲۸ و ۲۹ و اصول ۳۷ تا ۴۱ "طرح پیشنهادی".

اغلب این اصول در متمم قانون اساسی سابق نیز وجود داشته و از

دستاوردهای مبارزات دموکراتیک مردم ایران در زمان مشروطیت بشمار می روند. مانند انتقاد از فصل "حقوق ملت ایران" در "متن پیشنهادی" ... رادار ۱ - نقایص و معایب این فصل در جهت نادیده گرفتن حقوق اساسی و آزادیهای دموکراتیک مردم. ۲ - اصولی که می بایست در فصل "حقوق ملت ایران" حتماً وجود می داشت ولی در "متن پیشنهادی" ... پنجم نمی خورد.

بنظر ما ایراد اساسی به اکثر اصول فصل "حقوق ملت ایران" وارد است، ولی ما در اینجا به بحث تفصیلی و تطبیقی درباره تک تک اصول مندرج در "متن پیشنهادی" ... در این فصل نمی پردازیم زیرا در این صورت "مثنوی هفتاد" که ما در این فصل در "متن پیشنهادی" ... در این حال معتقدیم که طرح رسمی قانون اساسی جدید باید بطور اساسی با "متن پیشنهادی" ... روح انحصار طلبانه حاکم بر آن تفاوت داشته باشد. پس در اینجا فقط چند اصل را بعنوان نمونه انتخاب می کنیم و باختصار مورد بررسی قرار می دهیم. لازم به تذکر است که در این بررسی ما مقایسه هائیکه با قوانین اساسی کشورهای مختلف بخصوص الجزایر، از این جهت که مقایسه مفهوم آن نیست که قانون اساسی این کشورها از نظر مالیده آل و نمونه است، بلکه هدف تنها آشنائی با قوانین دیگر کشورها بوده و بخصوص در مورد الجزایر، از این جهت که کشور مسلمان است باین بررسی مقایسه ای پرداخته ایم.

برخلاف ادعای اصل ۲۳ "متن پیشنهادی" ... مردم ایران، یعنی زنان و مردان، از نظر حقوق سیاسی و اجتماعی مساوی نیستند. اصل ۲۴ این

بقیه در صفحه ۸

## آیا دموکراسی...

بقیه از صفحه ۱

جناحهای مختلف سرمایه داران بسته به توان اقتصادی و سیاسی خود در قدرت حاکم سهم می شوند. استقلال نسبی هر یک از نهادهای اجتماعی و آزادی رقابت برای گروه بندیهای سیاسی موجب می شود که دموکراسی بورژوازی قابلیت انعطاف زیادی پیدا کند. دموکراسی بورژوازی در حالیکه دموکراسی بین خود سرمایه داران را حفظ می کند بطور غیر آشکار بر حاکمیتشان و بخصوص طبقه کارگر دیکتاتوری اعمال می نماید.

در هنگام بحران اقتصادی - سیاسی و اوچگیری مبارزات مردم، بورژوازی با تکیه بر دستگاه سرکوب (مثل ارتش یا پلیس) و ظایف دیگر موسسات رادار این شاخه متمرکز می نماید. در چنین حالتی مطبوعات و وسایل ارتباط جمعی تحت سانسور قرار می گیرند. حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی بشدت محدود می شود. مجلسین ممکن است منحل گردند و دادگاههای نظامی جای دادگاههای عادی را بگیرند و در یک کلام دیکتاتوری عریان تروریستی جانسین دموکراسی بورژوازی گردد. یعنی در حقیقت دیکتاتوری پوشیده و غیر آشکار بورژوازی جای خود را به دیکتاتوری آشکاری دهد. چنین حالتی در جوامع سرمایه داری کلاسیک تنها در شرایط بحرانی و هنگامیکه رژیم کنترل خود را در اعمال حاکمیت به شیوه ظاهراً دموکراتیک از دست بدهد، بوجود می آید و نوعی استثناء بشمار می رود.

اما در جوامع وابسته، قضیه درست برعکس است. در این جوامع حالتی دموکراتیک یا شبه دموکراتیک کاملاً در شرایط استثنائی بروز می کند و دیکتاتوری عریان تروریستی شکل پایدار و پائیدار حکومتی بشمار می رود. علت این امر چیست؟

در جوامع وابسته گسترش دامنه نفوذ امپریالیسم بارشده مستقل این جوامع در تضاد قرار گرفته و از هم پست رو استقرار و رشد وابستگی تنها از طریق اعمال قهر و دیکتاتوری آشکار امکان پذیر است. در ایران گسترش سرمایه داری وابسته نه بر مبنای ضرورت تکاملی سیستم بلکه بر اساس احتیاجات امپریالیسم جهانی به وجود آمده است. امپریالیسم جهانی تضمین سود برای سرمایه های خود و استثمار منابع طبیعی و انسانی کشور نمی توانست و نمی تواند از روشهای دموکراتیک استفاده نماید. از اینرو استقرار مناسبات سرمایه داری وابسته و حفظ و تعمیق وابستگی نیاز به یک قدرت متمرکز و سرکوبگرانه را دارد که بتواند آزار بر جامعه تحمیل نماید. حدت و عمق تضادهای اجتماعی در جامعه ما (و سایر جوامع وابسته) آنچنان است که کمترین روزنه دموکراتیک و شل شدن زنجیرهای دیکتاتوری منجر به گسترش مبارزات مردم گردیده و کل سیستم را به مخاطره می افکند.

بنین درجه گسترش نفوذ امپریالیسم با درجه تمرکز قدرت و اعمال دیکتاتوری عریان تناسبی مستقیم وجود دارد. دموکراسی نیم بند سالهای ۳۲ - ۱۳۲۹ شدیدا حاکمیت امپریالیسم در ایران را، به مخاطره افکند و زمین رو کودتای تنگین ۲۸ مرداد، مجدداً دیکتاتوری امپریالیستی محمد رضا شاه را در مین ما حاکم کرد. گسترش بحران اقتصادی و سایر عوامل داخلی و خارجی در سالهای ۴۲ - ۱۳۳۹ دورانی از آزادیهای نسبی را به همراه آورد که بنوبه خود منجر به رشد شدید مبارزات مردم گردید و سرکوب خونین جنبش خلق در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به این دوران پایان داد.

پس از سال ۴۲ بموازات گسترش نفوذ امپریالیسم، رشد تمرکز قدرت دولتی به وجود می آید که با انحلال احزاب فرمایشی و شه ساخته و ایجاد حزب رستاخیز به اوج خود می رسد و سپس دیکتاتوری وابسته به امپریالیسم بدست توانای خلق سرنگون می شود. هم اکنون نیز بخوبی مشاهده می شود که امپریالیسم جهانی از آزادیهایی که با خون هزاران شهید بدست آمده است، بشدت زبان می بیند و در صدد توطئه برای نابودی آنست. در حالیکه مناسبات سرمایه داری وابسته همچنان پابرجاست و دیر یا زود می بایست شکل طبیعی خود را باز یابد.

## پاسخ به نامه ها

از زمانی که نشریه "کار" چاپ و منتشر شد، نامه های متعددی از طریق دفاتر یا بطور مستقیم برای ما ارسال شده است و در آنها سئوالاتی مطرح کرده اند. متاسفانه تاکنون فرصتی پیش نیامده بود تا به این نامه ها جواب کتبی داده شود. ماضن پذیرش این انتقاد می گوئیم از این بعد تا آنجا که برایمان از نظر جدا محدودیتی نباشد، به سئوالات این رفقا پاسخ بدهیم. به همین منظور دو نامه زیر انتخاب و پاسخ داده شده است.

کرج - رفیق حسین  
تو با طرح سئوالهایی "از زبان پدر و مادر و مقداری هم از آن خودت" صداقت و توجه خود را به ما نشان داده ای. همین توجه ما به خوشحالی ماست.  
- پرسیده بی "بودجه این روزنامه از کجا تا من می شود؟ آیا از بیت المال است یا بودجه مخصوصی برای آن تعیین شده است؟"  
- خبلی ساده بگوئیم "از محل فروش خود روزنامه "کار"  
- پرسیده بی "آیا روزنامه "کار" ادامه خواهد داشت و بطور دائم چاپ و منتشر می شود یا نه؟"

رفیق، سازمان در بدترین شرایط دیکتاتوری و اختناق نشریات خود را منتشر می کرده است. و حالا نیز با اعتقاد به لزوم چاپ و انتشار "کار" اینکار را بطور حتم ادامه خواهد داد. و فعلاً هفته بی یکبار بطور منظم منتشر خواهد شد.  
- پرسیده بی که "کارگرانی که بیسوادند، چگونه می توانند از این روزنامه استفاده کنند؟"  
می گوئیم به دو طریق.  
۱- سواد آموزی. همه ما وقتی خود تو که سواد داری، موظف هستیم که به آنها حداقل خواندن و نوشتن را بدهیم.  
۲- با سوادها (مثلاً خود تو) می توانند روزنامه را برای کارگران بی سواد بخوانند. و حتماً اینکار را می کنی.

خوزستان - رفیق سواد به احساسات و عواطف آسانی تورا - که بسیار هم شاعرانه بیان شده است - می ستائیم. ایمان داریم که احساسات مبنای یک شناخت علمی خواهد شد و آنگاه در پیوند با طبقه کارگر و همگام با آنها جامعه بی انسانی و بدور از استثمار انسان از انسان خواهد ساخت. و اما نام ما بعضی از آثار فلسفی و مارکسیستی - لنینیستی است. انتشار داده است.  
الف - آثاری که قبل از قیام توسط سازمان چاپ و منتشر شده است.

نام کتاب	نویسنده	مترجم
اصول فلسفه مارکسیسم	آفاناسیف	سازمان
اصول مقدماتی فلسفه	زرز پولیت زر	"
درسهای قیام مسکو	لنین	"
تاریخ مختصر حزب کمونیست شوروی (بلشویک)	چین	"
درسهای از حزب کمونیست چین	لنین	"
بخشی از رشد سرمایه داری در روسیه	لنین	"
دولت و انقلاب	لنین	"
چه باید کرد	لنین	"
انقلاب و ضد انقلاب	مارکس	"
جنگ داخلی در فرانسه ۱۸۷۱	مارکس	"
انقلاب و بی تمام	لهدوان	"
دوازده تجربه و بی تمام	تروئین و ...	"

ب - آثاری که بعد از قیام با علامت مشخص انتشارات سازمان منتشر شده است:  
دانش سیاسی - رفیق شهید محمد اشرف (ح - امید)  
انگلس رفیق شهید مسعود احمد زاده  
مورسین کفورت سازمان انگلس  
انگلس  
پور شرف  
لنین  
روز آلوزکا میورک  
لنین  
لنین

## «وقتی که کارفرما و شورا یک حرف میزنند»

حالی که جلوی مفتخورهایی مثل اگر می - شاقی، عشقی و ... را نمی گیرند که هنوز هم حقوق اینها که حاصل زحمات ما کارگران است پرداخت می شود. در ضمن در جلسات عمومی بجای صحبت از مسائل کارگری و اظهار نظرخواستن از کارگران به ماتممت ضد انقلابی می زند یعنی همان رفتار ضد کارگری کارفرمایان است می کند. پس شورای کارفرمایان است نه کارگری و شورای کارفرمایان است ما نمی خورد. شوراها بدست کارگران را جواب بدهد. اگر نمی تواند باید استعفا کند.  
تعدادی از کارگران کارخانه جنرال موتورز.

فکر می کردیم که بعد از انقلاب (که ما کارگران بیشترین سهم را در آن داشتیم) بوسیله شورا و با پشتیبانی خود ما خواستهای را که سالها خاطرش مبارزه کردیم بدست می آوریم. جلال می بینیم که شورا به نوبه دیگری همان حرفهای کارفرما را می زند. شورا همیشه به ما کارگران می گوید. کارخانه ملی شده (آبازبول کارخانه به اصطلاح ملی شده باید پول گراهه خانه امریکایی ها را بدهند؟) و بای می گویند کارخانه مال خود شاست، تولید را زیاد کنید، جلوی ضایعات را بگیرد. شورا به ما تمیست می زند که همراه کارتن پاخته ای که می برید جنسی را هم می دزدید. در

\*\*\*\*\*

# مرگ بر امپریالیسم امریکا و وابستگانش